

امروز بوده است چون هر دو راجع برای می شود و عده هم برای اخذ رای کافی نیست ناچار باید داخل شور بقیه لایحه قانون اسناد می شویم ثبت شروع شور در لایحه قانون ثبت اسناد شده ماده [۱۰۶] لایحه وزیر مطابق ماده (۵۵) راپورت کمیسیون راجع باینکه تصدیقاتی که مباشرین ثبت بموجب خواهرش ارباب رجوع می دهند درینج مورد است

۱ - تصدیق مطابق بودن مواد با اصل

۲ - تصدیق اصل بودن امضاء

۳ - تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی در

دفاتر ثبت شده است

۴ - تصدیق حیات کسی

۵ - تصدیق اظهار مشخص شخصی در این

ماده مذاکرات و مباحثات زیاد شده و شور اول بطور کافی بعمل آمده

نایب رئیس - چون مذاکراتی در کمیسیون پروگرام شده و لازم است در شعبه مذاکره شده قبلا در آنها آراء مطابقت شود مجلس را ختم میکنیم. دستور جلسه آتی همان دستور جلسه سابق است بانضمام راپورت کمیسیون بودجه راجع بدادن دوهزار تومان اعتبار برای اداره اوقاف - مجلس مقارن مغرب ختم شد.

جلسه ۱۶۴

صورت مذاکرات روز ۵ شبه ۲۳

هوال المکرم ۱۳۲۸

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در نعت ریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد صورت مجلس روز چهار شبه و آقای معاضد - الملك قرائت نمودند کسانی که در جلسه قبل غایب بودند - آقایان . قوام الاسلام . نویری . حاج میرزا آقا . آقا سید محمد رضا . صدیق حضرت شیخ رضا . دهخدا - آقا سید علی آقا . بدون اجازه آقایان حاج فاتح الملك . کاشف . لواء الدوله دکتر امیر خان با اجازه غایب بوده اند کسانی که بموقع مقرر حاضر نشده اند . نیر السلطان . آدینه محمد خان . حاج وکیل الرعایا . آقایان حاج مصدق الممالک . صنیع الدوله مریم .

نایب رئیس - آقای ادیب التجار در صورت

مجلس ملاحظه داشتید .

ادیب التجار - راجع بصورت مجلس عرضی

نداشتم - اظهار دیگری نشده نایب رئیس صورت مجلس را امضاء نمود .

ادیب التجار - در روزنامه دیدم اشتباهها

نوشته بود در خصوص غائبین بدون اجازه در باب آقای صدیق حضرت که ادیب التجار گفته است که من بگوش خود شنیده ام که ایشان گفتند که من استعفای خودم را مدتی است فرستاده ام بنده اینطور عرض نکردم عرض کردم که بواسطه شنیده ام که استعفای ایشان بهیئت رئیسه آمده است در این صورت خوب است استعفای ایشان خوانده شود دیگر اینکه تا کمی ما اسامی غائبین بشنویم که در مجلس بخوانند خوب است آقای رئیس و آقای نایب رئیس قراری بگذارند

اخطار بفرمایند که چرا حاضر نمیشوند منجمه آقا سید علی آقا یزدی است که مدتی است وکالت ایشان بایشان اخطار شده است و مدتی است که غایبند این مطلب هم باید معلوم شود که اگر استعفاء می دهند عوض ایشان انتخاب شود والا حاضر شوند

نایب رئیس - در خصوص استعفای آقای

صدیق حضرت البته خاطر نمایندگان محترم مسبوق است که نظامنامه داخلی اجازه میدهد که یک مدتی هیئت رئیسه استعفاء نامه را نگاه بدارد و بمجلس نیاورد و این استعفاءنامه هم چنانچه بهیئت رئیسه آمده باشد در موقع خودش قرائت میشود .

ارباب کیخسرو - بنده بر حسب تقاضای

تند نویسان از آقایان نمایندگان استعفاء می نمایم که در موقع نطق به نبر نطق تشریف برده نطق بفرمایند که درست مفهوم تند نویسان بشود و بتوانند بطور صحت تمام مذاکرات را ضبط کنند و یاد ر صورتیکه در سر جای خود نطق مینمایند بنده و روشن بفرمایند تا ضبط آن بجهت تند نویسان محل اشکال نباشد زیرا بعضی از نمایندگان قسمی یواش یا غیر واضح نطقها مینمایند که ضبط بیان ایشان بطور صحت اشکال دارد و بخدمت از تند نویسه ها کله مینمایند .

حاج فاتح الملك - بنده سابقا یک طرحی پیشنهاد

کرده بودم خواستم تقاضا کنم که خواننده شود و در جزء دستور گذاشته شود .

نایب رئیس - امروز فرار بود طبع و توزیع

شود - آقای شیخ غلامحسین سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه در خصوص یسارداشت سفارت انگلیس بفرمائید .

آقای شیخ غلامحسین - از فراری که

شنیده میشود در این اوقات یک یادداشتی از سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه رسیده است خواستم از آقای وزیر امور خارجه سئوال کنم که در آن خصوص جوابی داده اند یا خیر و اگر جوابی داده اند خوب است مجلس را از آن جواب مسبوق فرمایند .

وزیر امور خارجه - بلی این سئوال را

دو سه روز قبل از این بنا بود از من بکنند و بهمین جهت اخطار شده هم بنظرم من هم بر حسب تکلیفی که داشتم فرستادم یعنی آن جوابی را که سفارت انگلیس از وزارت خارجه نوشته بودم فرستادم بهیئت رئیسه و در روزنامه ها هم نوشته اند و امروز در روزنامه ها دیدم و یقین دادم آن جوابی را که من داده ام و در روزنامه طبع شده است بنظر نمایندگان محترم رسیده است .

آقای شیخ غلامحسین - گمان می کنم اگر

آن جواب حاضر است ضرر نداشته باشد در اینجا یکی از منشیان بخوانند و تند نویسه ها هم بنویسند **وزیر امور خارجه** - عرض کردم صورت

آن جوابی که من فرستاده ام در روزنامه هادرج شده است دیگر گمان نمی کنم خواندن آن در اینجا فایده داشته باشد .

نایب رئیس - آقای شیخ غلامحسین سئوالی داشتید راجع بکمپانی نفت جنوب از وزیر امور خارجه بفرمائید .

آقای شیخ غلامحسین - کمپانی نفت جنوب

موافق قراردادیکه داده است با دولت بایستی سالی دوهزار تومان از بابت معادن و چاه ها و چشمه های نفتی که دارد بدولت بپردازند در این باب آقای وزیر امور خارجه چه اطلاعی دارند آیا از ابتدای آن کتیرات تا بحال آن دو هزار تومان را بدولت پرداخته اند و حاله عاید میشود یا خیر ؟

وزیر امور خارجه - این سئوالی را که

راجع بکمپانی نفت جنوب است که امتیازش داده شده است گرارا از بنده سئوال کرده اند و بنده هم جواب داده ام ولیکن میل دارم چون و کبیل محترم سئوال فرمودند و موقع بدست آمده وقت را منتقم بدانم و چند کلمه در این خصوص بمجلس عرض کنم این سئوال در حقیقت راجع است بوزارت فوائد عامه و گاهی از وزارت فوائد عامه کارهایی راجع می شود به این وزارت خانه وزارت خارجه هم کارهایی که لازم و راجع باو بوده است در تمام این مدت تمام کرده است و در خصوص این دوهزار تومان که وکیل محترم اظهار داشتند که کمپانی نفت باید بدهد بوزارت فوائد عامه و بتوسط وزارت عامه هم برسد بوزارت مالیه در این خصوص معلوم شده است که کمپانی نفت غفلت کرده است و این وجه را از قرار تحقیقاتی که شده است تا بحال نداده است بوزارت فوائد عامه و وزارت امور خارجه هم بنابر اظهارات وزارت فوائد عامه اقدامات کرده است و بالاخره کمپانی نفت راضی شده بود که (۱۱) هزار تومان از این بابت بدهد بوزارت مالیه از قرار تحقیق و حسابی که ما کرده ایم تقریباً ۱۸ هزار تومان باید بدهد بواسطه اینکه ۹ سال است که سالی دو هزار تومان باید داده باشند و در این مدت بواسطه هر ج و مرج سابق یا کسی مطالبه نکرده است یا اگر مطالبه کرده اند نداده است در هر حال دولت نگرفته است و حالا هیئت دولت درصدد گرفتن است و این بدیهی است که دولت از حق خودش نخواهد گذشت و خواهد گرفت و باینکه کمپانی هم ازدادن حق دولت نباید مضایقه داشته باشد و البته این پول را تمام و کمال بدولت خواهد داد .

آقای شیخ غلامحسین - از امسال سالی دوهزار

تومان را مرتباً خواهند داد یا خیر !

وزیر امور خارجه - گمان میکنم که وزارت

مالیه من بعد دیگر در وصول این مبلغ غفلت نکنند و البته سالیانه خواهند گرفت .

نایب رئیس - آقای کاشف سئوالی از وزیر

امور خارجه داشتید بفرمائید .

کاشف - چندی قبل شکایات عدیده از اتباع

ایران آنها بیکه در خاک عثمانی هستند میرسد که دولت عثمانی مالیاتی بمنوان حق تمتع از اتباع ایران مقیمین

اسلامبول مطالبه میکنند در این خصوص مکرر شکایات از تجار و غیره رسیده بود خواستم از وزیر خارجه

سئوال کنم که در این خصوص اطلاعی دارند و اگر اطلاعی دارند چه اقدامی کرده اند و در این باب ممکن

است مجلس را مسبوق فرمایند .

وزیر امور خارجه - بلی این حق تمتع چیزی است که سالها است دولت عثمانی میخواست از اتباع خارجه از دولت خودش بگیرد و همیشه هم وزارت امور خارجه دستور العملی که لازم است بنمایندهای خودش در اسلامبول داده است و بدیهی است دولت ایران این وجه را قبول نخواست که ببرد تا زمانی که دولت های دیگر قبول نکنند یعنی تا زمانی که سایر دول معظمه هم قبول نکرده اند که این پول را بدهند بعد از آنکه آنها قبول کردند دولت ایران هم قبول خواهد کرد که بپردازد ولی تا بحال که دول بزرگ اروپا این را قبول نکرده اند ولی از قراری که در این اواخر خبر رسیده است از سفارت اسلامبول معلوم میشود که دولت عثمانی تا پنجاهم دیگر اصراری نخواهد داشت که این حق تمتع را بدولت عثمانی بپردازد و جدا مشغول مذاکره با دول معظمه هستند که با آنها یک قراری بدهند در صورتیکه سایر دول قبول کردند البته دولت ایران هم جور مساعدت و همراهی با دولت عثمانی خواهد کرد.

کاشف - این را هم بنده در همان سؤال یادداشت کرده بودم که مدتی است اتباع دولت ایران در اسلامبول شکایت دارند که مدتی است سفیر کبیری در عثمانی ندارند میخواستیم سؤال کنم از وزارت امور خارجه که در این مدت در صد فرستادن سفیر کبیری بآنجا بوده اند یا خیر و اگر در صد بوده اند خوب است مجلس را مسبق فرمایند.

وزیر امور خارجه - بلی مدتی است هم بطوریکه اظهار داشتید بعضی از سفارت خانه های ما بی سفیر مانده است چنانچه مادر لندن وزیر مختار نداریم در نظر نداریم در اسلامبول هم نداریم یعنی در نقاطی که باید سفیر کبیر داشته باشیم نداریم ولی از آنوقتیکه این بنده برای خدمت حاضر شده ام که تقریباً سه ماه است در این خدمت هیچ غفلت نکرده ام و میخواستم یک سفیر شایسته با اطلاعی برای اسلامبول کسب کنم و با بعضی ها هم که شایسته این مقام هستند مشغول مذاکره شده ام و امیدوارم که بزودی رفع این محظورات بشود وزیر امور خارجه میتواند آنطوری که میل دارد تغییر و تبدیل بدهد و سفراتی که خوب و کافی هستند و لازم بدانند باین سه دربار بفرستند ولی بکن این موقع را که وکیل محترم سؤال کرد خیلی منتقم دانستم که عرض کنم اگر چه فعلاً سفیر کبیر در اسلامبول ندارید و بدیهی است کارهایی که از عهده این سفیر کبیر بر می آید ممکن نیست که از ژارژدافر بر آید ولیکن لازم است که عرض کنم این ژارژدافر که فعلاً شما در آنجا دارید که منتصر السلطنه است خیلی مأمور بسیار قابل است ولی لازم است این نکته را هم عرض کنم که شایعاتی که از عدم اوضاع از کارهای او در جریان انتشار میدهند شاید بملاحظه همین شایعاتی که در حقیقت بی اساس است که در حق منتصر السلطنه میدهند بوده که وکیل محترم این سؤال را کردند ولی بنده خیلی خوب اطلاع دارم و اطمینان میدهم بمجلس شورای ملی که این مأموریکه بسمت ژارژدافر در اسلامبول است خیلی خوب از عهده خدمت برآمده است و همانطوریکه عرض کردم عاجلاً یک سفیر کبیر کافی خوبی هم فرستاده خواهد شد.

کاشف - چون در جواب بنده آقای وزیر امور خارجه این اظهارات را که راجع بود به ژارژدافر اسلامبول فرمودند بنده هم لازم دانستم که عرض کنم البته آن شایعاتی را که در روزنامه جات درج شده است ملاحظه فرموده اند این مطالب اگر اصل داشته باشد اصلاً نمی شود این بیانات و اظهاراتی را که آقای وزیر امور خارجه میفرمایند تصدیق کرد که ایشان يك مأمور کافی و خوبی هستند حالا در صورتیکه میفرمایند این شایعات اصل ندارد بنده خیلی لازم میدانم که از طرف وزارت امور خارجه با دلایل تکذیب شود تا رفع شایعه از اذهان خیلی از اشخاصیکه در این خصوص متزلزل هستند برای اتباع ایران در اسلامبول شود.

وزیر امور خارجه - اولاً آنچه در روزنامه جات نوشته میشود اگر مجلس لازم بدانند که از آن شایعات اگر بی اصل است تکذیب شود و اگر راست است تصدیق بشود این کار از عهده وزیر امور خارجه خارج است و ممکن نیست این کار را بکنند ولی اینکه از بابت منتصر السلطنه شایعات در روزنامه جات داده شده بنده میدانم که تمامی از روی بی اطلاعی است و بی اصل است برای اینکه يك مأمور بچاره که بتکالیف مأموریت خود رفتار میکند مدیر يك جریده چه میدانند که این تکالیف از مرکز با رجوع شده باید بدخواه خودش میکند مثل اینکه ایراداتی را که باو وارد می آورند از این قبول است که مثلا میگویند چند نفری را که از دایره فونسلگری سفارت خارج کرده است علت آن چیست. علت آن این است که مفتش تذکره وزارت امور خارجه باو خیلی اطمینان دارد راپورت داده است در اسلامبول که اخیراً فونسلگری آنجا خیلی هستند و همه آنها خیلی بیشتر از کاری است که بآنها رجوع شده است و باید انجام بدهند فوری تکلیف من این بود که جلوگیری نمایم از مخارج بی معنی که در آنجا میشود و راجع باداره خودم است چنانچه بخاطر دارید که حتی آقایان عتبات عالیات هم خیلی تاکید کردند که امروزه هر وزیر تکلیفش این است که از مخارج زیادی یا عده که بیشتر از آن کاری است که بآنها رجوع شده است جلوگیری کند و حتی الامکان مخارج را کسر نمایند باین واسطه دستور العمل دادم بمأمورین که شما بروید رسیدگی کنید اگر چنانچه مفتش بلژیکی راپورت داده صحیح است زیادها را خارج کنید و مخارج بیجا را کسر کنید و اشخاصیکه عضویت دارند اگر چنانچه اشخاص قابل خوبی هستند اینها را فوراً بمشافل دیگر مأموریت دیگری بفرستید این بود که منتصر السلطنه سه نفر از آنها که وجودشان در محل فونسلگری لازم نبود از آن مشافل برداشت حالا بعضی ها میگویند که یکی از اینها را که خیلی کاری بوده است چرا از کار خلع کرده است ولی فکر نمیکنند که بکنفری که با کفایت است ناچار باید يك مقام عالی تری برود که کارهای مهمتری را انجام بدهد این است که منتصر السلطنه اینها را از آن کاریکه داشتند خلع کرد ولی فوراً بر حسب دستور العملی که من داده

بودم که ببینند این اشخاص که زیادی هستند لایق چه کاری هستند و بفرخور آنها کار مین کرده و راپورت بدهید بفرخور آنها کار مین کرده و راپورت داده است حالا باید حکمش را صادر نمایم و آنکارهایی که بجای آنها تصویب کرده است امضاء نمایم و اما اینکه در روزنامه جات بشخص بنده یا یکی از ما ادارات بنده ایرادات میکنند بنده با وجود ایرادات از کار و وظیفه خودم بهیچوجه منصرف نمیشوم و عرض می کنم که این شایعات روزنامه جات را بگذارید خود وزراء اهمیت بدهند بنده از اشخاصی هستم که مخصوصاً خیلی مهل دارم در جرایم اعتراض میکنند بجهة اینکه چیزی را که درباره من یا اداره من ذکر می کنند فوراً آن نوشتن روزنامه مرا متذکر می کنند بآن غفلتی که کرده ام و بواسطه آن دیگر غفلت نخواهم کرد و فوراً می روم آن غفلتی را که شده است تصحیح می کنم و آن کاریکه که خودم می دانم و روزنامه ها تکذیب کرده اند آنرا بحال خودش وا می گذارم و از آن خط مستقیم که پیش گرفته ام پیش میروم بجهة اینکه هر چه باشد روز نامه بهتر از من از کار من اطلاع ندارد مدیر روزنامه که از جزئیات کار من مسبق نیست و این شایعات را که درباره منتصر السلطنه میدهند بنده با کمال اطمینان حاضر هستم که ثابت کنم (چنانچه برخودم ثابت است) که هیچکدام از این فقرات درباره او اصل نداشته و بمأمورینش صحیح خدمت میکنند و بقول يك روزنامه نویس نمی توانم زحمات آنها را ضایع کنم و آنها را از آنکار بردارم در صورتیکه می دانم آن شایعات کذب است و بر بنده ثابت است که این تقصیرات که بر منتصر السلطنه وارد آورده اند هیچکدام صحت و اصل ندارد.

رئیس - داخل در شور مواد قانون ثبت اسناد می شویم.

معاون وزارت عدلیه - چون يك مطلب خیلی مهمی بود در وزارت عدلیه اتفاق افتاده است که قبل از آنکه آنرا پیشنهاد مجلس کنم که انشاء الله رفع این اشتباه بشود وزارت عدلیه از چندی باین طرف داخل در اجرائیات قانون قبول و نکول بروات تجارتنی شده و چهار يك اشکالی شده است که باید يك توضیحی از طرف مجلس در آن خصوص داده شود و آن این است که در قانون قبول و نکول بروات تجارتنی مختصر مطلب تصریح شده است که وقتی که شخصی باو حواله می دهند آن شخص قبولی نوشت بعد از نوشتن قبولی وجه آن برات را نداد تکلیف چه خواهد بود در ماده ۶ قانون بروات نوشته شده است که قبولی نویسنده ملزم بمادای وجه است از این ماده همچو مستفاد می شود که باید وجه را ادا کند و نپرداختن وجه بهیچوجه دلیل رجوع بحواله کنندگان متوالی نباید بشود ولی در ماده دیگر نوشته شده است که دارنده برات می تواند شخص دویم و سیم و هکذا با اشخاص متوالی حواله بدهد و هر يك از

اینها کفیل یک دیگرند پس در صورت پروتست باید هر يك سابق خود رجوع کند و به آنرا بگردد تا برسد بحواله کننده اولی ولی چون قانون پروتست تجارتنی هیچ تصویر پروتست برای عدم وصول وجه را نسکرده است که بعد از قبولی ممکن است وجه را نهد و این پروتست هم امروزه قانون نیست امروزه می شود اصرار کرد و از آن طرف آن شخص که حواله گرفته است و آن شخص که قبولی نوشته است که در فلان موعده این وجه را میدهم و در روز موعده که می رود ادعا کند آن وجه را شخص قبولی نرسانده نه بدهد آن شخص میماند معطل و در قانون هم تکلیفش معلوم نیست و چون توضیح این مطلب از مجلس لازم بود از طرف وزارت عدلیه پیشنهاد شده است که توضیح این مطلب داده شود و چون فوریت دارد این لایحه تقدیم میشود که پس از شور از مجلس بگذرد و محاکم تجارتنی در صدد اجرای آن برآیند.

آقاسید حسین اردبیلی - بنده افسوس میخورم که درست دقت نمی شود در رعایت نظامنامه داخلی که اختار قانونی باید تقدیم بر تمام اجازات داشته باشد و بنده عرض میکنم همانطوریکه آقای رئیس اسم نمایندگان را در موقع نطق یادداشت میکنند در موقع سؤال هم باید این ترتیب رعایت شود و این سئوالی که امروز شد از آقای وزیر امور خارجه خیلی متأخر است از سئوالاتی که بنده نوشته و تقدیم هیئت رئیسه کرده ام و همان طوریکه آقای وزیر امور خارجه فرموده اند که مدتی است سئوال شده و هیئت رئیسه هم شاهد است و بایستی آنها را جواب بدهند ولی این یک چیزی است که راجع به هیئت رئیسه است و باید مراعات شود و مجدداً عرض میکنم همانطوریکه در صحبت کردن و اجازه خواستن مراعات میشود خوب است همانطور هم در خصوص جواب دادن سئوالات وزراء مراعات شود دیگر اینکه ما نباید وقت مجلس را بی خود تلف نمائیم که در خارج ما بگویند که وقت مجلس را تلف می کنند خوب است شروع بدستور شود و در مذاکرات دیروز به مداراظهاراتی که لازم بود البته آقا میرزا زین العابدین هم التفات فرموده اند البته اعتراف میفرمایند که آنطور نبوده است.

وزیر امور خارجه - نمیدانم و کفیل محترم این اظهاراتی را که فرمودند راجع بسئوالات ایرادی به بنده داشته یا به هیئت رئیسه اگر راجع است به بنده عرض می کنم پنج سال است که قرار بود از بنده سئوال کنند و بنده چند مرتبه است که حاضر شده ام به مجلس و عرض کردم که آقایان نمایندگان اگر سئوالی دارند بفرمایند تا جواب بدهم.

آقاسید حسین اردبیلی - عرض بنده راجع به آقای وزیر امور خارجه نبود راجع به هیئت رئیسه است که مراعات سئوالات را نمیکنند.

معاذ الملک - بنده توضیحاً عرض میکنم که سئوالاتی که به هیئت رئیسه میاید فوراً فرستاده میشود به هیئت وزراء و موقعی که میخواهند در مجلس

حاضر میشوند برای جواب آنها استعلام میشود که برای چند سئوال حاضر هستید خودشان معین میکنند که از برای فلان سئوال حاضریم چنانچه امروز آقای وزیر امور خارجه خودشان نوشته بودند که برای چند فقره جواب سئوال حاضریم و معین کرده بودید شروع بشود اول در بقیه لایحه قانون ثبت اسناد شده در مورد ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ لایحه وزیر که کمیسیون آنها را از نظامات داخلی دانسته و حذف کرده بود بشور و ملّا کرات لازمه بعمل آمده.

نایب رئیس - دستور جلسه آتی بقیه شور در قانون ثبت اسناد طرح آقای ارباب کیخسرو راجع بتأخیر حضور و غیبت نمایندگان در مجلس راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بمعدن و جزایر خلیج فارس و اگر مجلس باشد راپورت کمیسیون بودجه راجع بمعدن دوهزار تومان اعتبار بداره اوقاف - مجلس مقارن منرب ختم شد.

جلسه ۱۶۵
صورت مذاکرات روز شنبه ۲۵ شهر
شوال المکرم ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از غروب آفتاب در رخت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود (غائبین جلسه قبل)

آقایان قوام الاسلام، حاجی میرزا آقا، نوبری صدیق حضرت، آقاسید محمد رضا، حاجی وکیل الرعایا آقا سید علی آقا بدون اجازه آقای دکتر امیرخان با اجازه غائب بودند.

آقایان آقاسید محمد حسین یزدی، معتمدالتجار دکتر اسمعیل خان، فهیم الملک، آقاسید حسین اردبیلی حاج فاتح الملک، حاجی آقا، دهخدا، حاجی عز الممالک نیرالسلطان، شیخ اسدالله، مرتضی قلیخان بختیاری، میرزا ابراهیم قمی بوقت مقرر حاضر نشدند آقایان صنیع الدوله، حاج مصدق الممالک، حاجی میرزا زین العابدین قمی مریض بودند.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی که هست بفرمائید.

ارباب کیخسرو - اینجا در ابتدای اسامی غائبین بدون اجازه اسم آقای قوام الاسلام نوشته شده است و بدبختانه امروز هفتاد جلسه است که ایشان غائب هستند و این روزها شنیده میشود واسطه اجازه کردن خالصجات نپشاور شده اند در این صورت عقیده من این است که حالا دیگر اسم ایشان را از جزء غائبین بردارند و بگذارند باشد تا هر وقت تشریف آوردند جزء حاضرین نوشته شود.

آقاسید حسین اردبیلی - در ضمن اسامی اشخاصی که بوقت مقرر حاضر نشده اند بنده را نوشته اند در صورتی که بنده سر وقت حاضر بودم.

حاجی فاتح الملک - بنده خواستم این مسئله معلوم شود که اشخاصی که دیر میکنند از چه موقع محسوب میشود اگر از موقع انعقاد محسوب میشود بنده از آن اشخاصی بودم که در جلسه قبل هنوز صورت مجلس را ننخوانده بودند و زنک زده بودند

در مجلس حاضر بودم و دلیل واضح این است که بنده تقاضا کردم که پیشنهاد مرا بخوانند بنده میخواستم بدانم که این دیر آمدگی از چه وقتست رئیس - دیر آمدگی از وقت مقرر که ساعت سه قبل از غروب است که برای انعقاد مقرر شده است محسوب می شود.

آقاسید غلام حسین - در ضمن سئوالی که بنده از آقای وزیر امور خارجه کردم که این دوهزار تومان را که کمیسانی نفاذ بابت چاهها و چشمهها باید بدهد چون این دوهزار تومان بابت آن چاهها و چشمهها علاوه بر حق مقرر است استدعای کنم که مقرر فرمایند مخصوصاً در صورت مجلس قید شود از بابت چاهها و چشمههای معدن نفت آنجا راپورت شعبه اول قرائت شد که شنبه روز شنبه ۱۸ و ۳ شنبه ۲۱ شورای در تحت ریاست آقای حاج فاتح الملک منمقدو شروع بمراجعه و ملاحظه اعتبار نامه و کالت (بارون میرزا یوسف میرزایانس که نامزد و کالت ارامنه است شد اعتبارنامه مزبور بامضای انجمن نظار ارامنه که در تبریز تشکیل یافته مضمی است چون لازم بود از حکومت تبریز هم امضای اعتبارنامه باشد و نداشت لهذا شعبه در ۲۱ شوال بمعرض هیئت رئیسه رسانیده که بوزارت داخله اخطار شود تلگرافاً از حکمران آذربایجان تصدیق اعتبارنامه را پرسیده و زودتر بشعبه برسد و بعد از رسیدن تصدیق از تبریز راپورت مشروح بمجلس عرض خواهد شد.

رئیس - چون راپورت شعبه اول ناقص است یعنی هنوز نتیجه حاصل نشده است در آن باب مذاکره نمی کنم منتظر می شویم که نتیجه حاصل شود آنوقت مذاکره کنیم.

راپورت کمیسیون تقشیش مالیه قرائت شد که کمیسیون مالیه سه جلسه در وزارت مالیه و یک جلسه در مجلس مقدس منعقد گردید حساب شنبه تغا قوی بیل مطابق ثبت دفتر روزنامه مشروح رسیدگی شد ولی از ترتیب دفتر معین شد که حساب بدرستی معین نشده و جمع و خرج حساب را از ابتدای سلطنت جدید بدفتر وارد نکرده اند چون اول وجهی که بصندوق مالیه دولت وارد شده و جوی است که از باب اعانه دریافت شده شروع بر رسیدگی حساب اعانه شده هنوز نتیجه کاملی که در راپورت ذکر شود بدست نیامده و فعلاً صورت وجوه اعانه از ابتدای دولت جدید دریافت شده و مشغول رسیدگی هستیم و همچنین در حقوق ادارات وزارت مالیه صورتی دریافت شده و صورتی از بابت حقوقی که بارباب حقوق در سنه تخاقوی بیل پرداخته اند و جزه آن در دفتر معلوم نیست و معین نشده اصل حقوق چه اندازه بوده و از بابت چه سنه بوده خواسته شده که زیر آن کاملاً مشخص باشد.

رئیس - این راپورت هم عجالتاً نتیجه ندارد که در مجلس از آن مذاکره شود راپورت کمیسیون مبتکران از قرار ذیل قرائت شد که کمیسیون به ریاست آقا شیخ ابراهیم زنجانی منمقدو بملاحظه

عقب افتادن کارها در مجلس و شتاب کمسیونها بواسطه دیر آمدن و یا غائب بودن در مقام رأی اکثریت ماده ذیل را پیشنهاد مجلس نمودند که بر فرض قابل توجه شدنش در مجلس داخل در مذاکرات آن بشوند.

(ماده) هر يك از نمایندگان از وقت مقرری برای انعقاد مجلس یا کمسیون یا شعبه بدون اجازه تأخیر نماید یا در وقت رأی غیبت کند بهر نیم ساعت تأخیر و بهر دفعه غیبت در موقع رأی نمن مقرری يك روزه محسور خواهد شد و بملاوه مدت غیبت در صورت مجلس درج در روزنامه اعلان خواهد شد. نیز رایورت کمسیون نظامنامه داخلی قرائت شد که کمسیون برای ملاحظه طرح قانونی کمسیون مبتکرات و طرح آقای ارباب کیخسرو که از مجلس رجوع شده بود منعقد شده پس از مذاکرات لازمه در باره هر دو طرح مرجوعه بملاحظات عهده رآی کمسیون بر این قرار گرفت که بدو طرح قانونی فقط در مورد تأخیر و غیبت در رای مجلس از قرار ذیل بمنزله اصلاح بجای جمله دوم ماده (۱۲۰) نظامنامه داخلی تقدیم مجلس شود اشخاصی که از وقت مقرری برای انعقاد مجلس بدون اجازه تأخیر نمایند یا در موقع دادن رأی در مطالبی که جزء دستور آن جلسات است بدون عذر موجه غیبت نمایند بهر نیم ساعت تأخیر و بهر سه غیبت در يك جلسه در موقع رأی نمن مقرری يك روزه آنها محسور خواهد شد و بملاوه مدت غیبت آنها در صورت مجلس و در روزنامه رسمی اعلان خواهد شد.

(آقا میرزا ابراهیم خان ماده ۱۲۰ نظامنامه داخلی را قرائت نمود اشخاصی که بدون عذر موجه غائب می شوند جزء غائبین بدون اجازه هستند اشخاصی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز بدون عذر موجه نیم ساعت در موعده مقرر تغلف می کنند بمنزله آنها می هستند که یکروز غیبت غیر موجه کرده باشند.)

نمایندگان که در سه جلسه متوالی یا ۶ مرتبه در ظرف سی روز در موقع دادن رأی در مطالبی که جزء دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند و نیز آنها می که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمسیون یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند بمنزله کسانی که بعهده همان جلسات بدون عذر موجه غیبت کرده اند مراتب فوق را باید مباشرین تشخیص و همین نمایندگان نامی غائبین بی عذر موجه در روزنامه رسمی قید خواهد شد پس از آن شروع بشود اول در این ماده الحاقیه گردیده بعد از مذاکرات و مباحثات لازمه در خاتمه شور هر يك از آقایان حاج عزالمالك و ارباب کیخسرو از قرار ذیل اصلاحی پیشنهاد نمودند قرائت شد.

پیشنهاد حاجی عزالمالك (چون در این جمله اصلاح ماده ۱۲۰ نظامنامه داخلی پیشنهاد کمسیون مجازاتی برای غیبت در کمسیونهاست این بنده شرح ذیل را علاوه بر آن پیشنهاد می کنم) غیبت در کمسیونها بدون عذر موجه از قرار ساعتی نمن مقرری یکروزه محسور

خواهد شد (حاجی عزالمالك) اصلاح ارباب کیخسرو. اصلاح - بنده پیشنهاد می کنم عرض جمله بهر نیم ساعت تأخیر و بهر سه غیبت در يك جلسه در موقع رأی نمن مقرری يك روزه آنها محسور خواهد شد (تجین اصلاح شود) از قرار هر ساعتی تأخیر و هر سه غیبت در يك جلسه در موقع رأی و یا پنج جلسه متفرقه در موقع رأی ربع مقرری یکروزه آنها محسور خواهد شد کیخسرو رایورت کمسیون بودجه قرائت شد که لایحه از وزارت جلیله معارف و اوقاف مشرف بتقاضای دوهزار تومان اعتبار برای مصارف لازم اداره اوقاف قبل از گذشتن بودجه از مجلس کرده بود رسیده و در روز چهارشنبه مطرح مذاکره با حضور معاون وزارت علوم و معارف و اوقاف گشته و پس از مذاکرات بسیار کمسیون با کثرت تصویب نمود که این مبلغ را اگر اکثریت مجلس تصدیق فرماید بوزارت خانه مذکوره داده شده و پس از گذشتن بودجه آن وزارت خانه محسور دارند.

حاجی آقا - اگر چه آقای معاون وزارت اوقاف منتظرند که امروز این تقاضا از مجلس بگذرد ولی من به موجب همان مسلكی که داشته ام و تعقیب می کرده ام در باب این گونه لوائجی که می آمد در مجلس امروز هم مجبورم که واقفاناً مذاقنه کنم از اولی که مجلس منعقد شده است تا امروز غالباً اینطور لوائجی که بمجلس آمده است در ضمن می گفتیم که تا بودجه بمجلس نیاید هیچ چیزی نمیتوانیم تصویب کنیم و تصویب کردیم و همان تصویب کردنمان سبب شد که بودجه کل امساله بمجلس نیاید و هیچ امید نداریم که بودجه سال آتی هم بمجلس بیاید و هیچ هم نخواهیم دانست که عایدات و صادرات این مملکت چیست و این بنده آمدن لوائج و فرستادن به کمسیون بودجه و تصویب کردن راهیج منطقی نمیدانم بواسطه اینکه کمسیون بودجه که منعقد میشود در مجلس برای این است که بودجه کل من نمیدانم اینطور لوائج را چه طور تصویب میکند و ما چه طور میتوانیم تصویب کنیم بواسطه آنکه بودجه جمع و خرج است ما که هیچ نمیدانیم جمع چیست و علاو بر این اینها همه جزئیاتی است که میآید و میرود به کمسیون و بیک ملاحظه و بیک خصوصیات تصویب میشود و میآید بمجلس فقط بیک مرقبات حدسی و بیک مقبحات حدسی باید رد بکنیم و بعدس قبول کنیم بنده این ترتیب را هیچ تصویب نمیکنم و اگر روز اول مجلس سلطیه خود را اینطور قرار میداد که بودجه های موقتی را تصویب نمیکرد اینقدر اجزاء زائد قرار نمیدادند و داخل نمیکردند و این ترتیبات داده نمیشد که خود وزارت خانه ها بیایند بگویند واقفاً خیلی اجزای مازاد است و حالا باید بهر از رحمت و هزار مراتب بیفتند و در تسویه اداره خودشان بیچاره و عاجز بمانند و ندانند کدام را بیرون کنند و کدام را بیرون نکنند و اگر از روز اول ما هم این چیزها را تصویب نمیکردیم و می گفتیم مایک پول مخارج دولت را تصویب نمیکنیم تا بودجه کل بیاید دچار این اشکالات نمیشدیم و اگر و کلا بوظایف خودشان رفتار بکنند تا بودجه بمجلس نیاید و تصویب نشود و تا اوقاف ندانند که جمع و خرج این مملکت چیست نباید يك

پول يك جزئی يك دينار نه نقد نه جنس تصویب نکنند تا وزراء بودجه را بمجلس بیاورند و تقدیم دارند. **سلیمان میرزا -** اینکه آقای حاجی آقا بانهايت شدت و حرارت شرحی در موضوع زیادى اجزاء ادارات و زیادى حقوق و نیامدن بودجه بمجلس اظهار فرمودند بالفرض که تماماً صحت داشته باشد هیچ ربطی با اعتبار خواستن دوهزار تومان از برای اداره اوقاف ندارد و همچنین فرمودند ما مخارج جزه را که رأی میدهمیم به بعضی خصوصیات و ملاحظات حدسی است آنچه در کمسیون سابق و لاحق تصویب شده لابد يك دلایل موجهی در دست داشته است که مجلس آنرا قبول یابد کرده است و دلایلش را هم ذکر کرده اند از جمله این دو هزار تومان است که اولایك اعتباری است که بداره اوقاف داده میشود و اداره اوقاف اداره است که قوانینش از مجلس گذشته و هیچ گمانا این نسبت که اجزای زیادى داشته باشد و یا این عده قلیل این وزارت را اداره خواهد کرد و امروزه این دو هزار تومان يك اعتباری است که بهر وزارت خانه ممکن است داد که اداره خودش را نگاهداری کند تا آن روزی که از مجلس بودجه برای آن تصویب شود و بگذرد فرضاً اگر زیاد تر اعتبار داده شود آن زیادى را وزارت مالیه بر میگرداند و بحساب بدمیآورد و اینکه فرمودید هیچ چیزی را تصویب نمیکنیم تا بودجه کلا بیاید و اگر بودجه کل فرضاً تا چند ماه دیگر از وزارت مالیه نیاید گویا نقص بر وزارت فوائد عامه نباشد وزارت فوائد عامه اول وزارت خانه است که بودجه اش را نوشته است و بوزارت مالیه فرستاده است و گمان نمی کنم هیچ تقصیری نسبت بوزارت فوائد عامه باشد.

افتخار الواعظین - در اینکه چندی قبل قوانین اداری وزارت اوقاف از مجلس شورای ملی گذشت و در اینکه دوهزار تومان هم صرف اعتبار و لفظ نیست بلکه دوهزار تومان پول به صرف تأسیس خواهد رسید و خرج خواهد شد محل حرف نیست و بنده می خواهم عرض کنم که هر اداره را بیا هر وزارت خانه را که دولت تأسیس می کند باید بمقابل يك منافعی باشد یعنی آن مخارجی که امروز می دهند یا باید يك نفعی بردارد یا آنکه اخیراً منتفع شود والا بصرف اراده هوا و هوس نمی شود که ما يك مبلغی خرج بکنیم يك وزارت بحریه برای خودمان درست تأسیس بکنیم و بیست هزار تومان اعتبار برای وزارت بحریه تصویب کنیم در صورتیکه شاید وزارت بحریه چندین سال دیگری هم از برای ما وجود خارجی نداشته باشد بنده عرض میکنم این دوهزار تومان پول ملت را که مجلس شورای ملی می دهد بداره اوقاف باید مقابل این دوهزار تومان به بینیم این اداره برای ملت چه منافع و فوائدی دارد اگر منافع و فوائدی دارد البته مجلس دوهزار تومان که سهل است چهار هزار تومان هم تصویب می کند و می دهد والا اگر برای منافع موهوم باشد با این ضیق مالیه ما دوهزار تومان که سهل است دوشاهی هم نمی توان تصویب کرد که مال ملت را در خیال موهوم صرف نمایند و دیگر بنده عرض میکنم این در هیچ جای دنیا هم نیست يك مخارج و مصارفی را یا بعنوان خرج یا بعنوان اعتبار از مجلس شورای ملی بگذرانند در حالتیکه آن مجلس شوری به چه وجه

از عایدات دولت مطلع نباشد بنده نمیدانم عایدات دولت بچه اندازه است و ما آیا کسر داریم یا نداریم با اندازه مصارف خودمان منافع عاجلی که نداریم يك منافع عاجلی هم اگر داشته باشد به بینیم مقتضی حال ما هست که اگر يك منافع عاجلی داشته باشد ما امروز دوهزار تومان تصویب کنیم که بدهند یا اینکه امروز برای منافع موهوم سزاوار نیست این دوهزار تومان را تصویب بکنیم اینکه حضرت والا فرمودید این دوهزار تومان اعتبار است بنده عرض می‌کنم غالب چیزها بعنوان اعتبار است بنده عرض و گویا صرف اعتبار نبوده است بلکه پول بوده است و صرف کردن و خرج کردن و صورتش راهم بیچونیت ندیده‌ایم که به بینیم آن دو تومان زیاد آمده است یا خیر حالا اگر این صرف اعتبار است بدون پول آنرا می‌توانیم تصویب کنیم والا اگر پول است باید بفهمیم منافع این اداره برای دولت با اندازه دوهزار تومان است یا نیست اگر باشد تصویب می‌توان کرد و اگر نباشد تصویب نمی‌توان کرد.

سلیمان میرزا - خیلی تعجب دارم که آقای

افتخار الواعظین تصور کردند که وزارت فوائد عامه لفظ اعتبار را از مجلس می‌خواهد لغت اعتبار را که از مجلس نمی‌خواهد دوهزار تومان اعتبار یعنی دوهزار تومان پول وزارت مالیه بوزارت اوقاف بدهد که از باب بودجه که در مجلس تصویب خواهد شد وزارت مالیه با وزارت فوائد عامه بدهد آنکه بودجه اش تصویب شد محسوب دارد اما اینکه فرمودند به بینیم يك اداره را که دائر می‌کنیم آیا برای ما منافی دارد یا ندارد خوب بود تمام اینها را در آن موقع که قانون اداری وزارت معارف و اوقاف می‌گذشت می‌فرمودید نه حالا که قانون اداری معارف گذشته و مجلس هم تصویب کرده است سرکار نظری در موضوع اداره معارف داشتید خوب بود آن وقت این نطقها را می‌فرمودید که شاید اکثریت با سرکار میشد و مجلس شورای ملی رأی نمیداد و قانون معارف را رد می‌کرد و امروز که قانون معارف از مجلس گذشته است البته باید اداره برای آن تشکیل شود و آن اداره هم لابد بودجه لازم دارد فقط چیزیکه هست این است که ممکن است در مجلس يك مقداری از تاسیسات او کم شود ولی تمام ادارات او را نمی‌تواند به بندد و از برای اداره اوقاف مجلس هیچ در سال کمتر از دوهزار تومان تصویب نخواهد کرد و اگر دوهزار تومان اعتبار یعنی پول بوزارت فوائد عامه بدهد محققاً بیشتر از بودجه او نیست که از مجلس خواهد گذشت برای اینکه وقتی بودجه او تصویب شد وزارت مالیه مقدار دوهزار تومان آنرا کسر خواهد کرد مابقی او را بوزارت اوقاف خواهد پرداخت و هیچ اشکالی هم ظاهر آ نباشد در دادن يك اعتباری بيك وزارتخانه برای اینکه همه وزارتخانه هاق دارند تا بودجه ایشان از مجلس نگذشته است يك اعتباری از مجلس بخواهند

افتخار الواعظین - اینکه حضرت والا

فرمودند خوب بود این عرایض را وقتی که قانون اداری معارف می‌گذشت می‌فرمودید در جواب حضرت والا عرض می‌کنم هیچ در نظر من نیست که

تصویب کرده باشم که بعد از گذشتن آن قانون فوراً دولت اداره اوقاف را تاسیس بکند و تصویب بکنیم دوهزار تومان با اداره اوقاف داده شود و حال اعلت اینکه تصویب نمی‌کنیم و می‌گوئیم دولت فعلاً اداره اوقاف لازم ندارد بجهت این است که چون از جمع و خرج بودجه مطلع نیستیم و نمیدانیم بودجه ما اجازه می‌دهد که يك اداره اوقاف با اعضا و مواجب تاسیس بکنیم یا نه هر وقت بودجه آمد و ما دیدیم که بودجه ما اجازه می‌دهد که ما يك اداره اوقافی تاسیس بکنیم البته موافق قانونی که گذشته است بنده و سایر نمایندگان این دوهزار تومان را تصویب می‌کنیم.

ارباب گه خسر و - اینجا اولاً در جواب آقای

افتخار الواعظین عرض می‌کنم که این شرط نشده است در قانون اداری اوقاف و لازم نیست که در هیچ قانونی شرط شود قانون که از مجلس گذشت باید بر طبق آن اداره تشکیل شود اما موقعش بسته بنظریات مجلس است که حالا موقعش هست یا نیست ولی گویا فراموش فرموده‌اند در موقعیکه آقای سید حسین اردبیلی از آقای معاون وزارت معارف و اوقاف در باب اوقاف مشهد مقدس سئوالی فرمودند و آقای معاون در همان وقت جواب دادند که از اول سال اداره اوقاف تشکیل شده است و بنده هم اظهاری کردم خوب بود آن روز اعتراض می‌کردند اگر می‌خواست جدا رد شود آنروز باید شده باشد و چون آنروز رد نشده است تقریباً نزدیک بقبول بوده است و اینجا سئوالی از آقای معاون دارم یعنی می‌خواستم عرض کنم که اعتبار يك موضوعی می‌خواهد دو دوهزار تومان اعتبار باید معین شود که از کی خواهد بود و باید البته بکمسیون دستگیر شده باشد چون اینجا نوشته شده است که مدت گذشتن بودجه معین نشده است و تقریباً در آن دوره مجلس و این دوره هنوز بودجه مجلس نیامده است و بنابراین مدت گذشتن بودجه معین نیست خوب بود که این را معین می‌فرمودید که از چه تاریخ تا چه تاریخ و آنچه دستگیر شده است برای چه مصارفی است برای مرکز است یا اینکه برای سایر جاها هم هست

سلیمان میرزا - اما اینکه سئوال

فرمودید که از چه تاریخی تا چه موعد این اعتبار را می‌خواهند این اداره اوقاف هفت ماه و تقریباً از اول سال تشکیل شده است و این دو دوهزار تومان اعتبار را خواسته و از آنچه در این مدت کافذ بوزارت مالیه نوشته شده است که سواد آنرا هم وزارت مالیه فرستاده شده است و لازم مجلس بوزارت اوقاف فرستاده شده است آن کافذها می‌نمایند که دوهزار تومان وزارت فوائد عامه از برای اداره اوقاف بجهت نرسیدن حقوق این چند ماهه اعضا اداره اوقاف بر رسم مساعده خواسته وزارت مالیه سواد آن کافذ را ب مجلس فرستاده که چون بدون اجازه مجلس نمیتواند برای این اداره که قبلاً تاسیسی نداشته و جدیداً تاسیس شده است چیزی حواله بدهد اگر مجلس از باب این دوهزار

تومان چیزی را تصویب میکنند که خواهد داد و آنچه که فرمودید که از برای مرکز خواهند داد یا از برای شب ولایات این از برای مرکز است نه از برای شب و مطابق این سواد که از مرکز فرستاده شده است در سال (۱۳۲۹۲) تومان بودجه اوقاف مرکزی است و مجلس هر چه از این مبلغ کسر کند کمتر از دو هزار تومان نخواهد تصویب کرد پس در این صورت گمان میکنم که در تصویب این ضرری برای دولت متصور باشد

ادیب التجار - بنده بهمان دلایلی که

آقای حاجی آقایان فرمودید همانطور معتقد نیستم و تصویب نمی‌کنم که قبل از آمدن بودجه بمجلس دیناری تصویب شود بجهت اینکه مکرر دیدیم از این قبیل پیشنهادها از وزارت خانه‌ها مستقیماً بمجلس آمد و تصویب کردیم و بدبختانه صحت این ادارات راهم بنده که بکنفر نماینده ام نفهمیدم و چون مقصود مجلس صرفه جوئی است و بهتر این است که این اداره را در تحت اداره همان وزرائی که عجلاته شش هفت اداره در تحت اداره آنها است می‌گذراشتند تا بودجه می‌آمد زود تصویب می‌کردیم

معاون وزارت اوقاف - اینکه آقایان

نمایندگان مذاکره در خصوص بودجه میکنند خیلی صحیح است و اگر من هم بدم غیر از این کاری نمی‌کردم ولی يك مسئله را باید ملاحظه بفرمائید که بودجه سال بعد را باید در سال پیش بنویسند و همه اطرافش را تعیین کنند و بعد اگر کسی چیزی اضافه مطالبه کرد از آنچه پیشنهاد کرده‌اند باید در آنوقت بکنند ولی عجلاته بودجه امساله که هفت ماه از سال گذشته است و نزدیک است که سال باتمام برسد ظاهراً نرسیده است اگر هم برسانند بوزارت مالیه در سه ماه دیگر طول میکشد و خیلی احتمال میرود که تا آخر سال هیچيك از بودجه ها نه بیاید بمجلس و نه ترتیبی در باره آنها داده شود آنوقت اداراتی که یکسال است مخارجی نداشته باشد و برخی اتفاقات تازه برای آنها بیفتد اگر باین ترتیب که می‌فرمائید که در مجلس هیچ رأی ندهید تکلیف این ادارات چه خواهد شد اداره اوقاف یکی از همین اداراتی است که از اول سال دائر بوده است و غالب مردم سر و کارشان با اداره اوقاف است و يك اداره ایست که چندین نفر بلکه چندین دسته های مختلف هر روز می‌آیند و می‌گویند و می‌شوند اگر می‌فرمائید از برای اینکار هیچ اداره نباشد و بکنفر منشی يك گوشه بنشیند به کافذهائی که می‌آید جواب بدهند که ممکن بود مثل قدیم که بکنفر منشی در یکی از طاقهای دارالفنون می‌نشست و جواب کافذها را میداد حالا هم بهمان طور باشد و اگر می‌خواهند يك اداره بشود که از امروز يك ترتیبی را پیروی کند که ثبتی و ضابطی همانطور که تابعال گذرانیده اند داشته باشد بدیهی است که این چاره نداشت مگر همینطور که سایر ادارات تشکیل شده است او هم تشکیل شده باشد آنوقت این اداره اعضا لازم دارد مدتی است که اینها خدمت میکنند و سال قبل دائر نبوده است و يك مقرری و مواجبی برای اعضایش نبوده و حالیه که بودجه ها تصویب نشده است وزارت مالیه

میگوید که بی اجازه مجلس نمیتواند از این بابت چیزی بدهد بنا بر این لازم دانست که بمجلس بنویسد که فوق‌العاده این مبلغ بطور اعتبار از برای این اداره خواسته شود تا زمانی که بودجه این اداره بگذرد و هر قدر مجلس از آن کسر کند لاقلاً دو نلث آن و يك مقداری از آن را خواهند داد و در هر صورت یا هشت هزار تومان یا بیشتر یا کمتر خواهند داد بجهت اینکه ممکن نیست که این اداره باشد و بکتر از این مبلغی که بر آورد شده است مخارج داشته باشد حالا هر چه در مجلس تصویب شود فعلاً دو هزار تومان خواسته شده مساعده که باین اشخاص که هفت ماه است که کار کرده‌اند داده شود که تا زمانی که بودجه بگذرد باز هم کار کنند و این مبلغ دو هزار تومان را درست وقت بفرمایند که باندازه مواجب فرمانی است اجزاء این اداره است که در هر صورت چه در اداره باشند چه نباشند این وجه را از اداره مالیه گرفته و میگیرند پس در واقع هیچ ضررت تازه برای دولت با شد نیست حالا اگر این اعتبار داده شود که باین اجزاء که هفت ماه است مجانی خدمت کرده‌اند برسد تا هر چه مجلس تصویب کند بآنها بدهند خیلی بموقع است و در هر حال این اداره يك فایده داشته باشد یا نداشته باشد بنده تصور نمیکنم که تردیدی باشد در اینکه اداره اوقاف لازم است در صورتیکه ترتیبی لازم است داشته باشد فوائدها هم خواهد داشت ولی اینکه امروز يك فوائدها داشته باشد که بتواند خودش خودش را اداره بکند بنده يك همچو تصوری را نمیکنم و گمان نمیکنم همچو تصوری هیچیک از آقایان بکنند اگر این اداره را باید يك ترتیبی کرد که بودجهها بگذرد با هر ترتیبی که مجلس مقرر کرد عمل شود حالا آن يك مسئله دیگری است و در هر صورت باین اجزاء که شش ماه که کار میکنند نمی شود گفت چیزی نگیرید یا آنکه مواجبهای مقرری دولتی که از خودتان نگیرید و در هر صورت چیزیکه ثمره راجع بفوائد آنی ما و بموائد دولت داشته باشد نیست حالا با وجود این آقایان هر جور صلاح میدانند و تصویب میفرمایند بختراند بنده نظری ندارم مگر اینکه اداره که بود و ایجاد شده باید باشد و بکلی متفرق نشود و اجزائی که آنجا خدمت کرده‌اند چند ماه دیگر هم مجانی خودداری کنند.

حاجی عزالممالک - بنده اولاً لازم است عرض کنم که اساساً فکر راپورت این کمیسیون مذاکره شد و رد شد بدلایلی که بعد عرض خواهد شد و چیزیکه در کمیسیون رد شد تجدید نظر در آن نباید بشود و دیگر نمیدانم چه طور شد که ثانیاً این ترتیب را دادند با اینکه کمیسیون بدو این مسئله را رد کرده بود و بعد لازم است عرض کنم که اداره اوقاف جزء وزارت علوم و معارف است در آن وزارتخانه اغلبی از مخارجها میشود که بتصویب مجلس رسیده است مثلاً اداره نمک که تاسیس شده و هر اداره که تاسیس بکند و حقوق بدهد هیچ مجلس مسبوق نیست در هر صورت این وزارتخانه که يك عایدی خودش دارد يك مخارجی هم دارد اگر بنا

باشد اینطور تصویب کنیم یعنی بهر وزارتخانه يك مبلغی بدهیم هیچوقت دارای بودجه نخواهیم بود بنده همینقدر عرض میکنم که در کمیسیون این رأی داده نشده و هیچ صلاح نیست که مجلس اورا تصویب کند برای اینکه بودجه ما هنوز بمجلس نیامده است و در همین وزارتخانه خیلی مخارج شده است و بمجلس مقدس اطلاع داده نشده و هر وقت بودجه کل آمد تکلیف آنها را همین خواهد کرد و اگر بودجه کل نیامد نمیشود تصویب کرد.

سلیمان میرزا - اینکه آقای حاجی عزالممالک فرمودند که بدو در کمیسیون رد شد و بعد نمیدانم که چه طور شد که تصویب شد خیلی فریب است که خودشان از اجزاء کمیسیون بودجه هستند و این نمی دانم را نمی دانم برای چه می فرمایند در صورتیکه خودشان در دو جلسه تشریف داشتند ولیکن بنده همتش را عرض می کنم روز اول که این راپورت مطرح شد معاون وزارت علوم تشریف نداشتند و در آنجا گفتگو شد و هیچکس دلایل اینکه اینرا قبول بکنند نمی دانسته اند بعد در جلسه دوم که آقای معاون وزارت فوائدها عامه تشریف داشتند و دلایلی را که از برای لزوم ترتیب بودجه اقامه فرمودند و با کثرت تام این مسئله تصویب شد گویا خودشان باینکه نفر دیگر رأی نداشته و ۱۶ نفری تصویب شد اما آنچه که فرمودند راجع باینکه نمک و سایر آنچه راجع بفوائد عامه است اولاً باید بدانند که عایدی اداره نمک جزء فوائدها عامه نیست و اگر بخواهد تصویب کند و از عایدی اداره نمک این مبلغ داده شود این عدم مرکزیت را ثابت می کند برای اینکه باید تمام عایدات مملکت جمع شود در وزارت مالیه و بعد وزارت مالیه قسمت کند برای سایر ادارات نه آنکه هر اداره هر چه دارد خرج کند و الا يك وزارتخانه عایدیش زیاد تر است شاید کفایت مخارج خودش را بکند و يك وزارتخانه مثل وزارت جنگ که هیچ عایدی ندارد نتوانند مخارج خودشان را بدهند و گمان می کنم این ترتیب صحیح نباشد باید هر جائی که عایدی دارد بر مرکز رجوع شود یعنی بوزارت مالیه تحویل شود و بعد وزارت مالیه مطابق بودجه که بمجلس مقدس تصویب میکنند بمطابق اعتباری که تصویب مجلس میشود بتمام وزارتخانه ها قسمت شود (در ضمن بیانات شاهزاده سلیمان میرزا آقای رئیس تشریف بردند و آقای متین السلطنه نایب رئیس بمقام ریاست جلوس نمودند .)

حاجی سید ابراهیم - بنده موافقم با کمیسیون ولی دو نکته را لازم است عرض کنم اینکه میفرمایند اگر این جور مخارجات را عقب بیندازید سبب میشود که بودجه کل بمجلس خواهد آمد من اطمینان میدهم که این جور نخواهد بود برای اینکه این ربطی بوزارت مالیه ندارد این راجع بوزارت فوائدها عامه است و هر قدر شما این را بتأخیر بیندازید اسباب تعجیل در آمدن بودجه نخواهد شد دیگر اینکه اداره که قانوناً تشکیل شده هیچ صحیح نیست گرو بکشیم و این اظهار را بکنیم بعلاوه بنده تصویب نکردنش را مخالف قانون میدانم و عرض میکنم باید اعلام شود که

وزارت مالیه آن مخارج را ندهد و همچنین عایدات وزارت خانه های دیگر را هم باید همین کنند اما اداره نمک آن يك ترتیبی دارد که نمیتواند وزارت مالیه بگیرد و اداره جنگها و معادن هم هنوز راه نیفتاده میماند عتیقات عتیقات هم گویا باندازه هست که زاید از خرج اجزاء نیست و هیچ باقی نمی آید از این گذشته این اداره وقتیکه اساس اداره او میگذشت نمایندگان با يك شوقی و يك میلی تصویب میکردند - ما يك اساسه برای معارف میگذرانیم و خیلی اهتمام میکنیم در اینکه این امر مرتب شود یعنی اداره اوقاف در تحت وزارت معارف تاسیس شود و از این راه يك عایدی عاید دولت شود حالا بعد از چندین ماه که تشکیل شده است يك مبلغ وجهی برای حقوق اجزاء نمیدانم چه قدر باشد گویا دو نلث یا نصف باشد می خواهد مجلس رأی بگیرد آقایان معطل میشوند و بجای اینکه رأی بدهند گرو میکنند در صورتیکه باید الان این را با کمال اشتیاق بدهند نهایت این است که بعد از گذشتن بودجه در آنجا منظور خواهد شد و گرو کشیدن هیچ تناسب ندارد.

معاضد السلطنه - بنده در کمیسیون بودجه مخالف بودم اینجام مخالفت خود را عرض میکنم ما امروز با این ترتیب مالیه و با این عدم انتظاماتی که در ادارت است و این مخارج فوق‌العاده که در ادارات میشود بعلاوه مخارجیکه در بعضی جاها که بعضی اشخاص شرارت میکنند برای جلوگیری آنها از برای دولت پیدا میشود لازم میشود که هر عایدی که برای دولت حاضر میشود اول برای نظم و امنیت مملکت صرف شود نه اینکه در موقعیکه انگلیسها يك (نت) منفصلی برای دولت میفرستند که طرف جنوب مفشوش است ما تا سه ماه دیگر اگر منظم نشود بعضی مداخلات کرده و امنیت به جنوب خواهیم داد در يك . چون موقعی مالیه دولت را تصویب کنیم که در بعضی مصارف دیگر صرف شود راست است که قانون اداره اوقاف وضع شده است و باید اجرا شود ولی ما مخصوصاً این را وضع نکردیم که همین امروز بموقع اجرا بیاید و چنانچه تا امروز اداره اوقاف دائر نشده اگر تا یکسال یا دو سال دیگر هم دائر نشود هیچ اهمیت ندارد چنانچه هزار سال گذشته است دو سال دیگر را هم میتوانیم بگذرانیم و نمیتوانیم تمام مالیات این مملکت را بمصارف اینطور ادارات برسانیم برای اینکه می بینیم که صدا از تمام مملکت بلند است که ادارات غیر منظم است و حکام نمیروند چرا برای اینکه ما پول ندارند اگر پول میداشتند و حکومت فارس را میفرستید و قشون تهیه میکردید هیچ امروز این عنوانات نمیشد که اساس استقلال مملکت ما بر بخورد بنده میگویم یکدیگر از هر جا که وصول می شود اول باید خرج قشون نمود و قشون را منظم کرد که مملکت را امنیت بدهد بعد باید ادارات را منظم نمود ما اگر امروز بعضی از مخارج برای بعضی از اداراتی که وجودش چندان اهمیت ندارد نکنیم و يك چندی بامنیت مملکت بپردازیم مردم خیلی از ما ممنون خواهند شد و ابداً دلتنگ

نخواهند شد که چرا اداره اوقاف را مقدم نداشتید راست است که اداره اوقاف چندی است تشکیل شده و چند نفری هم رفته اند آنجا کار کرده و زحمت کشیده اند و آنها هم لابد معاش لازم دارند و باید معاش آنها را داد ولی تا این زمانی که کار کرده اند بهر شکلی هست باید یک چیزی بایشان بدهند و بعد این جور ادارات یک چندی توفیق باشد یعنی این قسم اداراتی که امروز برای این مملکت چندان از روی ندارد باشد تا زمانی که قشون مامون شود و مملکت منظم شود و مالیات کاملاً وصول و عاید شود آنوقت مامی توانیم اینطور مخارج را بنمائیم و این ادارات را تشکیل کنیم و اگر امروز غیر از این کار ما بکنیم واقفاً مثل این است که در یک غفلت خیلی بزرگی هستیم و مردم اگر بما ایراد بگیرند که ما این جور مخارج را تصویب نکرده ایم حق دارند برای این که مردم این مالیات را که میدهند اول امنیت می خواهند بعد سایر چیزها اول باید امنیت را در مملکت آنطوری که ممکن است فراهم آورد که تمام مردم آسوده شوند بعد به تشکیل ادارات دیگر از قبیل اداره اوقاف و این قسم مخارج پرداخت و بنده امروز هیچ صلاح نمی دانم که یکدینار تصویب شود که برای این قسم ادارات داده شود ولی مقداری که در این ادارات بوده اند البته باید تصویب شود که یک مقداری بایشان داده شود .

منتصر السلطان - این مسئله که فرمودند تقریباً یک مسئله اساسی است و باید مجلس آنرا حل بکند و باید فهمید که آیا امروزه مایک اداره اوقاف لازم داریم که در امور اوقاف و کارهای متوالی آنها و سایر چیزها رسیدگی کند و صورت آنها و مصرف آنها را معلوم نماید که همه روزه اولیای امور و تمام حکام دچار این کار هستند یا لازم نداریم بنده عرض می کنم اگر در واقع ما امروز بگوئیم که اداره اوقاف لازم نداریم پس باید بگوئیم که عدایه هم لازم نداریم هم چنین بعضی حکام را هم بگوئیم لازم نداریم و حکومت این مملکت به ترتیب قدیم ملوک الطوائفی بشود بجهت اینکه امروز چون صلاح نیست این کار را بکنیم آن کار راه صلاح نیست بکنیم و هم چنین لازم نیست وزارت مالیه اینقدر شعبات و ادارات داشته باشد ممکن است دو تا دانه میرزا و دوتا دراز نویس در آنجا بگذاریم و بگوئیم مثل قدیم دوتا فراش برود و مالیات را وصول بکند پس کلیه دوائر خودمان را برای خاطر یک نفر یا دوفتر از نمایندگان بهم بزنیم و بعضی نطفه های مهیج بدهیم که فلان دولت فلان (نت) را داد و فلان آرتکل را برای ما نوشته است و باین خیالات اذهان نمایندگان و عموم مردم را مشوش بکنیم در صورتی که هیچیک از اینها صحت ندارد و باید نمایندگان از راه مقتضیات مملکت ملاحظه وقت را بکنند و به بینند امروزه حوائج ملت تا چه اندازه است و چه اندازه علما و وزرای مسا دوچار اشکالات هستند و البته واجب است که ما این ادارات را داشته باشیم دوازده هزار تومان و کسری که مخارج یک اداره ایست در صورتی که معادل آن

اجزاء آن اداره حقوق دیوانی دارند اینقدر اهمیت ندارد که برای آن مایک اداره قانونی خودمان را توفیق کنیم حال دیگر بسته با کثرت مجلس است.

نایب رئیس - از نمایندگان محترم خواهشمندم که از موضوع مطلب خارج نشوند و رعایت مخالف و موافق را بکنند بجهت اینکه همه زبانی از نمایندگان اجازه خواسته اند و گمان نمیکنم که باین عده میتوان از این مذاکرات نتیجه گرفت .

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده عرض میکنم یک اداره را که یک وزیر مسئولی تأسیس کرده است و از قراریکه بنده اطلاع دارم مدتی است یعنی قریب ششماه هست یک اجزائی در آنجا خدمت کرده اند البته باید حقوق بآنها داده شود علاوه بر اینکه مذاکره از بودجه شد بنده یاد دارم که معاون وزارت مالیه در اینجا گفت که بودجه که زودتر از بودجه سایر وزارتخانهها بوزارت مالیه آمد بودجه وزارت علوم بود پس معلوم میشود که وزارت علوم در فرستادن بودجه تقصیری نکرده است که ما این را بتأخیر بیندازیم و موقوف بآمدن بودجه کل بکنیم و اینکه از اهمیت اوقاف صحبت شد بنده هم آنرا خیلی اهمیت میدهم و عرض میکنم این اداره باید تشکیل شود تا اینکه وزارت علوم بتواند از بعضی مصارف آن مصرفی برای تربیت ایتم و آنها که فقیر هستند معین نماید و اینکه اظهار شد مخارج این اداره از عایدی نمک داده شود بنده که رای ندادم و ممکن هم نیست که دخل هر اداره را خرج خودش بنمایند و اینکه عدایه فعلاً خراب است به همین جهت است اگر وزارت مالیه قرار میگذاشت که هر چیزی که در وزارت عدایه گرفته میشد بصندوق برسد اینطور نمیشد .

عز الملک - اگر خوب ملاحظه فرمائید هیچیک از نمایندگان منکر تشکیل ادارات نیست اختلافی که هست در تقدیم و تأخیر تشکیل آنها است و حالاً بنده عقیده خودم را عرض نمیکنم فقط سؤالی از مخبر کمیسیون میکنم که کمیسیون بودجه که تشکیل شد در یک جلسه آن که بنده بودم و بعد استعفا دادم در آن جلسه یکی از آن دوسه فقره که عنوان شد همین مسئله اداره اوقاف بود که به اکثریت رد شد و نمیدانم که بعد از رد شدن چه طور شد که مجدداً در آنجا گرفته شده است و اینکه مخبر کمیسیون فرمودند احساسات مخالف بود و رای گرفته نشد در صورتیکه در یک جلسه احساسات مخالف باشد چه طور میشود در جلسه دیگر در آن خصوص رای گرفت .

نایب رئیس - شاید در این باب آقای مخبر بخواهند توضیحی بدهند ولی گمان میکنم که در این باب در راپورت هم قید شده است که در کمیسیون رای گرفته نشد .

دکتر اسمعیل خان - در موضوع اهمیت اداره اوقاف گمان میکنم تمام نمایندگان شریکند در اینکه اهمیت داشته است که تأسیس شده است ولی آقای معاضد السلطنه صحبتی که کردند غیر از آن بود که آقای منتصر السلطان خواستند دفاع کنند ایشان اظهار کردند که وقتیکه در یک مملکتی آشوب است و امور آن حیثاً جریان ندارد بتأخیر بیندازیم ایشان نگفتند که عدایه یا فلان اداره را توقیف کنند مقصودشان این بود که وقتی مملکت ما این حال را دارد باید فکر کارهای الاهم فالاهم را کرد و البته وقتیکه اداره

اوقاف یا سایر اداراتی که در آن مملکت تأسیس شده است نسبت بدهیم به امنیت مملکت که تا پشت دروازه امنیت نداریم بدیهی است که اول چیزی که باید در آن اقدام بکنیم این است که امنیت بمملکت بدهیم زیرا که اگر امنیت نداشته باشیم پول نمیتوانیم بگیریم که صرف اداره اوقاف یا غیر اوقاف از دوایری که تاکنون تأسیس شده است بکنیم و همانطوری که گفته شد امورات مملکت را بترتیب الاهم فالاهم باید اصلاح کنیم یعنی آن کارهاییکه نفع دارد و بدرد مردم و عامه بیشتر میخورد و حوائج مردم را بیشتر رفع میکند آنها را بر سایر کارها مقدم بداریم و حالا اداره اوقاف اگر چه تأسیس شده است ولی تا بحال این اداره نبوده است ممکن است که حقوقی بآن آقایان که تا بحال در آنجا خدمت کرده اند بدهند و بعد بنده یا یکی از نمایندگان پیشنهاد بکنند که این اداره جزء اداره معارف بشود اگر چه اداره اوقاف وقتی اداره شود تمام معارف مملکت در مدت قلیلی ترقی خواهد کرد برای اینکه مسلماً اوقاف مملکت ایران بقدری است که دو مقابل معارف آنرا کافی خواهد کرد ولی چون این اداره تا بحال نبوده است گمان نمیکنم فعلاً عایدات این اداره کفایت کند از رای اینکه پیش بینی بکنند از برای هر ج و مرجی که در این اداره شده است و باز هم در آخر عرض خودم متوجه میکنم نظر نمایندگان محترم را بآن مطلب اساسی که عرض کردم که امورات این مملکت را باید بطور الاهم فالاهم اصلاح نمود یعنی آنهایی که الان در واقع ما بحتاج این مملکت است مقدم بداریم و مالیه مملکت را بصرف مصارف فوق العاده بزنیم و بگذاریم صرف امنیت مملکت بشود دیگر استدعا میکنم از آقایان که وقتی میخواهند دفاع بکنند عقاید دیگران را بطور دیگر بیان نمایند .

معاون وزارت علوم - مطالبی را که آقای معاضد السلطنه فرمودند صحیح است و تمام آنها مطالبی است که گمان نمیکنم کسی در آنها حرفی داشته باشد ولیکن در این مورد بخصوص اهمیت اوقاف و امنیت مملکت را بیش هم گذاشتن خیلی بنظر بنده دور میآید بنده گمان نمیکنم که آقایان این دو هزار تومان را بگذارند پیش منفعت مملکت که از چیزهایی است که طرف توجه تمام اولیای دولت و ملت است همه کارها را نمیشود مربوط بهم و راجع بیک دیگر کرده بعضی از کارها هست که اگر بخواهیم آنها را هم مثل سایر کارها بحال خود بگذاریم شاید تا اندازه اسباب زحمت شود و از آنها یکی همین مسئله اوقاف است اغلب آقایان میدانند که اغلب مردم داخل در این مذاکره هستند مسئله اوقاف یک یا دو نکت مذاکرات مملکتی است و هر روز اشخاصی از خارج و داخل باین مسئله رجوع میکنند و باید یک اداره باشد که اقلاً یک جواب مسکتی بآنها بدهد و اینکه میفرمایند این راهم جزء اداره معارف بکنید بنده نفهمیدم بچه نظری فرمودند اگر مقصودشان این است که این اداره در ضمن کار خودش کار اداره اوقاف را بکند که این هیچ صورت امکان پذیر ندارد بجهت اینکه چند نفری که الان در این اداره اوقاف هستند شب و روز مشغولند و معذک نمیتوانند از عهده اظهارات و دعاوی مردم بر آیند و اگر مقصود این است که بکلی این اداره نباشد آنهم یک مطلبی است ولی گمان میکنم که موقع بآن شدت هم نباشد که نشود این

جزئی راهم تصویب کرد در هر حال این اداره فایده اش بیش از ضررش است و اگر يك همچو اداره دائر بشود گمان میکنم كه يك راه عایدی فوق العاده برای مملکت و عموم بشود و به عقیده بنده این است این اداره یکی از لوازم اداره مایه است و لازم است كه باشد و اگر نباشد كارش با سایر ادارات خواهد شد و اسباب يك گفتگویی بی معنی خواهد شد كه هیچ نمیشود آنرا تصور كرد و بنده به عقیده خود آنرا تصویب نمیکنم یا اینکه اگر میفرمائید مثل سابق يك نفر منشی در یکی از اطافهای مدرسه دارالفنون بنشیند و جواب كافتهای مردم را بنویسد آنهم يك مطلبی است در صورتیکه آن کارهایی كه برای اداره اوقاف معین شده است همه روزه از صبح تا شام چنانچه عرض شد مشغولند و تمام نمیشود و باین ترتیب دیگر گمان نمیکنم كه مقتضی باشد كه بگویند این چند ماه را يك حقوقی بآنها بدهند و بروند برای اینکه زحمات و اشكالاتی كه هست انشاء الله رفع خواهد شد و این اداره هم بهد از چندی يك عایدی پیدا خواهد كرد و اگر بنا بشود كه بكلی این اداره نباشد چنانچه عرض كردم يك زحمتی بر سایر زحمتهای افزوده خواهد شد حال دیگر اختیار با آقایان است .

آقای میرزا مهرتقی قلیخان - سؤالی را كه آقای عز الملك فرمودند بنده اول لازم است جواب ایشان را عرض كنم روز اولی كه در این خصوص در كمیسیون مذاكره شد فقط يك لایحه بود بدون اینکه توضیحی در مراتب آن داده باشند و آن روز اکثریت حضار و ایشان بر این شد كه این مسئله توقیف باشد و در تانی كه آقای معاون وزارت اوقاف حاضر شدند و خواستند در این باب توضیحات بدهند اول در كمیسیون مذاكره شد كه آیا باید باین اظهارات گوش بدهیم یا اینکه بهمان رأی سابق كه داده شد باید اکتفا كرد اكثر اعضاء كمیسیون رأیشان بر این بود كه باید در ثانی در آن مذاكره بشود برای اینکه عرض از مصلحت و تربیت شوروی این است كه اگر مطلبی پوشیده شده باشد یا کسی ملتفت نشده باشد در تانی مذاكره بكنند و اگر برای كمیسیون رأی ثانی پیدا شد اظهار كنند یا اینکه مستبد بشود بهمان رأی كه در مرتبه اول داده است این بود كه بعد از اخذ رأی داخل مذاكره آن شدند و بواسطه توضیحاتيكه آقای معاون دادند اكثریت كمیسیون قانع شد و رأی داد باین راپورتی كه فعلاً بجلس كرده است و اما از بابت اصل مطلب بنده كاملاً هم راهم با آقای معاضد السلطنه ولی این يك مطلب اساسی است كه نمیشود آنرا به اداره اوقاف طرف نسبت كرد بجهت اینکه مجلس تصویب كرد اداره اوقاف را و بعد هم سؤالی شد كه در فلان مقدمه اقدام نكردند پس معاون میشود كه باید این اداره باشد تا اینکه بتواند اقدامات نماید اما این كه تمام این ادارات اصلاح شود این خیلی حرف صحیحی است ولی راهش این نیست كه ما امروز مذاكره نكنیم راهش این است كه چند كمیسیون در آمدن بودجه و بعد از اینکه بورجه رسیدم در كمیسیون و هم در مجلس نظر دقیق بشود و اگر يك اداره وجودش لازم نیست مخارجش را به زنده آنوقت كه مخارج آنرا تصویب نكردند معنیش این است كه این اداره را نمیخواهیم و باید توقیف

شود و تا آن روزيكه بوده است مخارج آنرا بدهند و هم چنین اگر در یکی از این ادارات مخارج زیادی دیدند آن زیادی را قلم بگیرند این معنیش این است كه باید اینطور اصلاح شود پس اینكار معلوم میشود يك موقع صحیحی دارد هر وقت كه موقع آن رسید باید این اقدام بشود در مسئله این اداره و سایر ادارات هیچ فرقی نیست مگر اینکه همانطور كه گفته شد سایر ادارات بودجه موقتی آنها گذشته و تا بحال مطابق همان بودجه مایه آنها داده میشود تا اینکه بودجه شان از مجلس بگذرد ولی این اداره بواسطه اینکه در ابتدای سال تشكيل شده بودجه موقتی نداشته كه گذشتن بودجه امساله مطابق آن وزارت مایه حقوق اجزاء آن را بدهد و این اداراتی هم كه جدیداً تشكيل شده و بعضی از آن ها از خودشان دخل دارند از قبیل اداره نمك و یکی هم همین اداره است كه قانون اداره نمك و یکی همین اداره است كه قانون آن از مجلس گذشته است و البته هر يك از این ادارات عایدات آنها بوزارت مایه می رود و وزارت مایه مخارج آنها را حواله میکنند كه بگیرند و اگر ما میخواهیم بگوئیم هر اداره از عایدی خود مخارج نماید اینطور صحیحی نیست برای این كه علاوه بر اینکه بعضی ادارات هست كه عایدات آن ها كم است مخالف مركزیت است مایه هر چه هست باید بوزارت مایه برسد و وزارت مایه مخارج ادارات را بدهد پس در این صورت گمان میکنم كه این راپورت هیچ مخالفتی با آنچه درباره سایر ادارات آمده است ندارد و هر قدر هم كمیسیون و مجلس مخارج آنرا نسر كنند از دو هزار تومان كمتر نخواهد شد و در هر حال این دو هزار تومان را باید تصویب كند .

ناصر الاسلام - اولاً این دلیلی كه اقامه میکنند آقایان بر رفرم اداره اوقاف این است كه قانون این اداره از مجلس گذشته است و در سابق این را بودجه موقتی میگفتند حالا اعتبار میگویند و يك اسم دیگری برای او اتخاذ کرده اند در صورتی كه قوانینی كه از مجلس سابق و در این دوره گذشته است اگر بنا بشود كه مطابق آن ادارات تأسیس شود خوب است آقایان بكتدیری متوجه شوند به قانون تشكيل ایات و ولایات كه اگر مطابق آن ادارات تماماً تشكيل شود چند برابر مایه این مملكت هم كفاف نمیکند و همكذا قانون بلدیة و سایر قوانینی كه از مجلس گذشته است حالا اگر یکی از نمایندگان بگوید كه ما این مبلغ را برای اداره اوقاف نمی توانیم تصویب كنیم يك سوء تفاهمی خواهد شد نمی دانم از روی اهمیتی كه دارد در دائره اش اینقدر وسعت دارد كه حد و حصر ندارد و اگر تا این اندازه آشكار و معلوم است چگونه می شود يك نماینده آن را تصویب نكند كه این اداره اداره نشود و بعد از چندی فوایدش عاید دولت شود اگر کسی بگوید وزارت معارف از آن ادارات خیلی مهم است و ادارتی است كه مقدم بر سایر ادارات و هنوز يك قانون و يك نظامنامه از این وزارت خانه برای مدارس بیرون نیامده است فوراً باید محل تعرض شود و یکی از نمایندگان اعتراض كنند كه پس باید عدلیه را موقوف كنیم ادارات وزارت مایه را برهم بزنیم و بجای آنها دراز نوس بگذاریم در صورتیکه بدبختانه بقول آقای منتصر السلطان آن دراز نویسه را كه برداشتیم و این كوتاه

نویس ها را بجای آنها گذاشتیم نتیجه جز زیاد كردن ميز و صندلی از آنها ندیدیم و بنده متوجه میكنم نظر آقایان نمایندگان را به بیانات آقای دكتر اسمعیل خان و رفع شبهه میکنم از اذهان نمایندگان كه هیچوقت هیچ يك از نمایندگان غرض شخصی با هیچيك از این ادارات ندارد آیا هیچ نظر مباركتان هست كه مكرر هیئت وزراء آمدند این جا و خرج دولت را بطریق اختصار بما گفتند حالا باز ما این جا بنشینیم و بگوئیم كه فلان اداره اهمیت دارد و باید فلان مبلغ را برای او تصویب كرد در صورتیکه بنده نمی دانم از تشكيل آن چه نتیجه دیده ایم چنانچه من یادم هست كه در كمیسیون بت نطق آتشینی از شاهزاده سلیمان میرزا در همین خصوص شد و از كاپینه كه تغییر كرد و كاپینه جدید تشكيل شد عمده نظریك كه نمایندگان داشتند از این كاپینه جدید اصلاح همین ادارات بود و در آخر عرض خودم مخصوصاً تکرار می كنم كه هیچ يك از نمایندگان منكر این نیست كه باید اداره اوقاف تأسیس شود و بودجه برایش معین شود ولی عرض می كنم كه ماداميكه معین نشود عایدات ما چقدر است نمی توانیم در این چیز ها رای بدهیم باید جدا از هیئت وزراء خواست كه بودجه كل را زودتر ب مجلس پیشنهاد كنند تا اینکه مجلس بتواند بتكاليف و وظایف خود رفته كار كند .

ناهب رئیس - مجدداً یاد آوری میکنم كه موضوع مذاكره دادن اعتبار دو هزار تومان است ب اداره اوقاف آقایان در این خصوص اگر اظهاری دارند بفرمایند .

آقای شیخ رضا - این مقام از چند جهت ممكن است جای گفتگو بشود چنانچه شده است یکی از این اصلاح این نباشد این نمی شود بجهت این كه چنانچه گفته شد چون قانونش از مجلس گذشته است و اهمیتش معلوم است پیش کسانیكه مطلعند بحال اوقاف این مملكت كه چطور خورده می شد و تلف میشد معلوم است آنها نيكه عالمانه بحال اوقاف این مملكت ضد این اداره نخواهد بود مگر آن کسانیكه خودشان داشته اند و می خوردند یا این كه طرفدار خورنده ها می باشند و الا این اداره خیلی خیلی اهمیت دارد و این كه آقا اظهار كردند كه ممكن است این در ضمن يك اداره دیگر باشد این تقریباً در بسیاری از ممالك خودش يك وزارت خانه است حالا در این جا سه وزارت خانه چیده است در يك وزارتخانه كه وزارت فوائد عامه و وزارت معارف و وزارت اوقاف باشد و هر يك از این ها باید يك وزارت خانه و ادارات داشته باشد حالا شما باید شكر كنید كه در يك وزارت خانه چیده است و این تخفیف است خیلی خیلی هم تخفیف است و الا باید اوقاف خودش يك وزارت خانه مستقله باشد همین طور وزارت فوائد عامه و علوم پس شما يك وزارت خانه دارید در مقابل این سه وزارتخانه و این كه این اداره تأسیس شده است بنا بر اهمیتی است كه دارد و این كه گفته می شود باید بعد از آمدن بودجه ب مجلس و این جور مخارج تصویب شود این مطلب معلوم است پیش همه كه

دولت ایران يك كتابچه دخل و خرج منظمی از آن وقت كه این دولت دولت بوده است نداشته است و آنقدری هم كه داشته است در ایام هرج و مرج كه مدتی است این مملكت دچار آن بوده است یعنی آن او قانیکه سلاطین ما این مملكت را خراب کردند آن كتابچه بی ترتیبی را هم كه داشت از بین رفت و آن ترتیب بی ترتیبی هم خراب شد حالا در همچو مملكتی این مخارجی كه برای وزارتخانه ها و دوائر دولتی باید داده شود ما میگوئیم كه باید بعد از آن مدت كتابچه كل عایدات و مخارج مملكت تصویب شود این خیلی غیر صحیح است برای اینکه كتابچه دخل و خرج مملكت از آن يك پارچه نیست كه در خم رنگرزی بیندازند فوری بیرون بیاورند يك همچو چیزی را كه خیلی اهمیت دارد و هش هفت ماه قبل در فكرش نبوده اند مگر اینکه در این سه چهار ماهه در صدد آوردن آن برآمدند و اینجا چند مرتبه گفته شد كه از چند وزارتخانه بودجه بوزارت مالیه آمده است كه در آنجا بودجه كل تشكيل شود و بیايد بمجلس شما میخواهید باین زودی بیاید مجلس تا اینکه شما بعضی مخارج را برای بعضی از چیزهایی كه لازم است تصویب کنید این خیلی غیر صحیح است چنانچه بگرات صحبت شده است چنانچه وزیر امور خارجه آمد و از برای ما مورینی كه میخواست بخارجه بفرستد مخارج حرکت و مسافرت خواست شما اظهار نكردید كه تصویب نمی كنیم برای اینکه امور كتابچه دخل و خرج مملكتی نیامده است برای اینکه اینكار خیلی غیر صحیح بود مثل این بود كه حاکمی برای کاشان بفرستید و بگوئید برای او مخارجی تعیین نمی كنیم تا بودجه دخل و خرج مملكتی بیاید حالا قطع نظر از این مطالب کرده بنده يك قدری تبییض هم در كارها مشاهده می كنم بجهت اینکه چند مرتبه در همین مجلس درباره مجاهدینی كه بودند يك فقره ۱۲ هزار تومان تصویب شد و هیچ نكفتید كه كتابچه دخل و خرج مملكتی باید بیاید و يك دفعه هم [۳۸] هزار تومان تصویب کردید و يك نفر نكفت باید كتابچه دخل و خرج بیاید يك وقت دیگری هم چهل هزار پاسی هزار تصویب کردید

آدینه محمدخان - در حق کی .
آقاشیخ رضا - عرض کرد در حق مجاهدین
آدینه محمدخان - همینطور باسم بگوئید
 كه بدانیم .

آقاشیخ رضا - آن چهل هزار پاسی هزار تومان را تصویب کردید و هیچ نكفتید كه نباید تصویب شود تا بودجه بیاید غیر از این هم چند فقره دیگر از برای شیخ هادی ها و علی ها بفلان خان و بفلان الدوله و تقریباً برای بعضی ذوی الحقوق كه هیچ حق نداشتند برای آنها تصویب کردید و نكفتید باید بودجه بیاید پس چطور شده است كه درباره همچو اداره كه دیروز قانونش را از مجلس گذرانده ایم و در نظر داریم كه این اداره اهمیت فوق العاده دارد اینطور مذاكرات چند جلسه است می كنیم یکی می گوید اصلاً این اداره نباشد یکی میگوید باید اول كتابچه دخل و خرج مملكتی بیاید

كه ما ببینیم آنوقت این رازای به هم یکی میگوید باید تقدیم و تاخیر شود یعنی بعضی از چیزها را پیش و بعضی چیزها را عقب بیندازیم مثلا آقای معاضد السلطنه اظهار کردند [گفتند خارج از موضوع است]

نایب رئیس - موضوع مذاكره این دو هزار تومان است در اینخصوص مذاكره بفرمائید .

آقاشیخ رضا - اینجا يك اظهاری شده است كه بنده باید جواب بدهم خارج از موضوع نمیشوم آقای معاضد السلطنه اظهار کرده اند كه امنیت مملكت با فلان بهمدان است فلان حاكم كه ندارد بجهت اینکه دولت انگلیس پیشنهادی کرده است با استقلال ما بر میخورد (باز اظهار کردند خارج از موضوع است)

آقاشیخ رضا بنده يك چند كلمه لازم میدانم كه عرض كنم و بگذرم اولاً اینکه ملت ایران به تمام اهل عالم شناسانید خود را كه يك ملت و يك مردم نجیبی هستند برای این كه در این مدت این نقاطی كه خیلی اهمیت دارد دچار انقلاب بود هیچ حرکت فوق العاده و شورش نكرده است .

نایب رئیس - استدعا میكنم از موضوع خارج نشوید .

آقاشیخ رضا - خارج از موضوع نیست اینجا میگویند تا پشت دروازه امنیت نداریم و اغتشاش است بنده نمیتوانم بشنوم و ساكت بنشینم . در سایر ممالك تمدنه در مملكتی كه امروزه تمدن تر از سایر ممالك است بر دار بدروزنامه آنرا بخوانید و به بینید چه هرج و مرج ها در آنجا میشود و هیچكس نمیگوید امنیت در آنجا نیست يك پیشنهادی شده است و الحمدلله دولت ما هم جواب آن را داده است و او را مقاعد کرده است و گفته است كه بشجارت انگلیس صدمه نقدا وارد نشده است و تقریباً این پیشنهادهایی كه میشود مثل بعضی از حرف هایی است كه از خودمان صدا در میاید كه چرا در فلان جا كلاه از فلان كس برداشته اند یا اینکه در فلانجا فلان كس را لغت کرده اند در زمان ناصر . الدین شاه كه آن زمان را شما ها امنیت دار تر تمام اوقات این مملكتی میدانستید چه طور بود كه آنوقت هزارها مردم كشته میشد هزارها مردم لغت میگردید همراه در يك نقطه پست را میزدند و با این تفصیل هر كز كسی نمیگفت مملكت شلوغ است یا امنیت ندارد امروزه آن کسانی كه دسانند و میخواهند این مملكت را بیاد بدهند این حرفها را در میاورند و الا شمار جوع كنید بروزنامه های خارجه به بینید آنها درجه حالند آنوقت به بینید امنیت در مملكت شما برقرار است یا آنجا ها پس آن پیشنهاد ها هم مثل این حرفهای دساین داخل ما است و باین جهت بنده رد و تكذیب میكنم آن اظهاری را كه میگویند مملكت شلوغ است ابداً همچو چیزی نیست اگر يك نایب حسین حالا هست در عهد ناصر الدین شاهده نایب حسین بود كه تاراج میگردند و خیلی خرابی ها میشد حالا يك نایب حسین است در يك

نقطه ولی آنوقت در هر نقطه ده نایب حسین بود از این میگذریم و یکی اینکه . . . تقریباً عرایض بنده تمام شد

سليمان ميرزا - اگر عده برای اخذ رای کافی است خوب است وقت مجلس را بی جهت نگذرانیم چیز دیگری هم در دستور هست كه قانون ثبت اسناد باشد آنرا بخوانیم .

معاضد السلطنه - اجازه بفرمائید بنده در عرایض خودم توضیحی عرض كنم

نایب رئیس - این توضیحاتی را كه میخواهید بفرمائید از سوء تفاهمی است كه در نطق خودتان شده است .

معاضد السلطنه - بلی راجع به عرایض خودم است - اینجا آقای آقاشیخ رضا فرمودند کسانی كه منكر این اداره اند اشخاصی هستند كه موقوفات داشتند و میخورند یا اینکه كسان ایشان موقوفه دارند بنده خودم شخصا در تمام ایران هیچ موقوفه ندارم و اقوام من هم هیچ موقوفه ندارند و عرایض بنده تمام برای ملاحظه صرفه و صلاح امروزه مملكت بود و باز هم میگویم در مقام رای هم رای نخواهم داد یکی هم در باب امنیت است بنده نكفتم امنیت در مملكت نیست چنانچه در نطق من اینجا نوشته شده است و در روزنامه خواهید خواند بنده هیچ نكفتم امنیت نیست كفتم اغلب جاها حاكم ندارد و برای بعضی جاها اردو لازم است و كفتم بعضی اشرار در بعضی جاها هستند و خیال شرارت دارند باید اردو برود آنها را گوشمال بدهند كه نتوانند تخطی كنند بنده این را كفتم نكفتم كه ایران منظم نیست و خیلی اغتشاش است و یا آن پیشنهادی را كه میدهند برای امنیت نداشتن مملكت است بنده میگویم باید ولایات را منظم كرد باید تشون را منظم كرد كه بهر نقطه برود امنیت زیاد میشود با مالیات ترتیبش مرتب شود بنده كفتم تمام زارعین و فلاحین ما باید در رفاهیت و آسودگی باشند و دیگر اینکه آقای منتصر السلطان گفتند كه خوب است ما مسئله ملوك الطوائفی را تعقیب كنیم بنده هیچيك از اینها نكفتم بنده با اینکه اداره عدلیه هزار گونه كارها کرده اند و اگر ما مفتش مخفی می داشتیم كه بشما معاش و رندگانی مردم تفتیش میگرد و مخارج آنها را میدید آنوقت ملت بیچاره میفهمید مردم میدانستند كه اشخاصی كه خیانت کرده كیها هستند هیچ نكفتم كه عدلیه لازم نداریم و مملكت باید هرج و مرج و صاحب حكومت ملوك الطوائفی باشد خیالات بنده همیشه طرفداری مركزیت حكومت بوده است و تا زمانیکه میبیریم عقبه ام این است كه حكومت باید مركزیت داشته باشد و هیچوقت حامی حكومت ملوك الطوائفی و سایر حكومتها نبوده ام و عرض میكنم كه حكومت ایران باید مركزیت داشته باشد و تمام قوا باید در تهران جمع باشد و از تهران بسایر نقاط قوا فرستاده شود بنده نكفتم كه عدلیه باید بسته شود عدلیه روح مملكت است البته باید عدلیه منظم باشد و در

تمام اجزاء ادارات آن باید اصلاحات کنند که مردم بتوانند زندگانی کنند و در باب وزارت مالیه بنده هیچک از وزارت خانه ها رانگفتم باید بست یا اینکه این اداره را باید بست و بکلی موقوف کرد گفتم که میتوان تشکیل بعضی از اداراتی که فعلاً لزومی ندارد بتأخیر انداخت و هر قدر بتوانند پول تهیه کنید باید بقشون بدهید و قشون بولایات بفرستید که آسایش عمومی را فراهم نمایند بنده این حرف را نزد و هیچ وقت بر خلاف این نبودم که باید امنیت نباشد یا اینکه حکومت ملوک الطوائفی باشد.

سلیمان میرزا - بنده باز پیشنهاد می کنم که اگر عده برای اخذ رأی کافی نیست و باید معطل شویم دستور قسمت دیگری هم دارد که رأی لازم ندارد و این گفتگو ها هم غالباً خارج از موضوع است.

نایب رئیس - چون عده کافی نخواهد بود برای اخذ رأی پس در این صورت آقای آدینه محمدخان يك پیشنهادی کرده اند که میخواهیم و بعد اگر عده برای اخذ رأی کافی شد باز شروع مذاکرات می کنیم و رأی میگیریم والا داخل جزه دیگر دستور میشویم.

(شروع بشور در بقیه لایحه قانون ثبت اسناد شده مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ از فصل هشتم لایحه وزیر مطابق مواد ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ راپورت کمیسیون قرائت شد مذاکرات لازمه و شور اول در آن بعمل آمد . در ضمن شور در فصل دهم راجع باشخاصیکه بثبت رساندن اسناد را در اداره ثبت مطالعه آقای مشیرالدوله اظهار نمود که چون کلیه این قانون اجباری است یعنی اسناد را در این اداره ثبت نمودن اجباری نیست اگر این فصل را جزء آن نکنیم بهتر است برای این که اجباری نمی شود و مردم بهتر بفوائد آن بر میخورند و از روی رضو و رغبت اسناد خودشانرا میارند ثبت می کنند و اگر اجباری کنیم این يك مالیاتی می شود و مردم هم شاید آنطوریکه باید اقبال نکنند باین جهت بنده پیشنهاد می کنم که این فصل بکلی از این قانون حذف و برداشته شود آقای شیخ ابراهیم زنجانی مقرر کمیسیون اظهارات ایشانرا نائید نموده تقاضا نمود که این فصل بکلی حذف شود باین جهت شروع بشور در سایر مواد از فصل ۱۱ و ۱۲ گردید مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ لایحه وزیر مطابق ماده ۶۴ راپورت کمیسیون و نیز مواد ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ آن مطابق مواد ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ راپورت با ماده الحاقیه ۷۱ که آخر قانون است قرائت و نیز مذاکرات لازمه و شور اول در آن بعمل آمد پس از آن صورت تفرقه از قرار پیشنهاد وزیر قرائت شد .)

آقاشیخ ابراهیم - این صورت تفرقه خیلی ناقص است و خیلی مذاکرات لازم دارد بواسطه این که از برای اظهارات از برای قطع نامها و غیره چیزی در آن ذکر شده این باید بکمیسیون رجوع

شود که در آن نظریات شده ثانیاً بمجلس بیاید (بعضی اظهار نمودند که مناسب این کار کمیسیون قوانین مالیه است باین واسطه رجوع شد که با ملاحظاتی کمیسیون عدلیه و قوانین مالیه بمجلس پیشنهاد شود .)

نایب رئیس - دستور جلسه آنجه بقیه دستور امروز خواهد بود آقای وکیلالتجار در موقع خواندن دستور اجازه خواسته بودند که يك توضیحی در خصوص راپورت کمیسیون تفتیش مالیه بدهند و آقای رئیس يك یادداشتی کرده اند که ممکن است در آخر مجلس اجازه داده شود باین جهت می توانند اگر توضیحاتی دارند حالا خودشان بفرمایند .

وکیلالتجار - عرض میکنم در مسئله تفتیش که پررور راپورت مختصری خوانده شد یکی دو نکته است که تا معلوم نشود تکلیف کمیسیون معلوم نخواهد شد و نمی تواند کار بکند یکی از آنها این است که حالا بنده ترتیب محاسبات و نیز ذالک را عرض نمیکنم که دفاتر محاسبات صحیح است یا صحیح نیست ولی مختصراً عرض می کنم که اغلب حسابها هیچ در دفتر ثبت نشده است حتی بعضی معاملات و حسابها نیکه از اول دولت جدید در خود مرکز شده است در دفتر نیست و یکی دیگر می خواهم بدانم پس از آنکه ما داخل تفتیش شدیم و راپورت تفتیش خودمانرا دادیم نتیجه خواهد بخشید یا خیر بنده می ترسم که بعد از زحمات و اشکالاتی که وارد می شود برای ما بالاخره هیچ نتیجه حاصل نشود برای اینکه اشتباهاتی که از اول دولت جدید شده است و آن اشتباهات یا خطا یا عمد این چیزهایی است که شده است مثلاً حقوق یکی تومانی یکقران داده شده است و یکی هزار داده اند از همین قبیل اشتباه کاریهایی که می کردند میخواهم بدانم پس از آنکه اینها را معلوم و مدلل کردیم و ثابت شد تغلیبات آنها آن وقت تکلیف مجازات آنها را تعیین خواهند کرد و نتیجه خواهند برد یا اینکه غیر از اینکه مدتی وقت تلف کرده باشیم و يك عده را با خودمان طرف کرده باشیم هیچ نتیجه نخواهیم برد در صورتی که تمام جزئیات تفتیش راجع بهمین مسئله می شود که اگر مجلس شورای ملی جداً نتیجه این زحمات را بالاخره خواهد گرفت که اگر پولی بغير مصرف داده شده است مؤاخذه خواهند کرد و عین پول را خواهند گرفت آنوقت ممکن است کمیسیون تفتیش زحمات خودش را بکشد و نتیجه اش را ببرد در این صورت امیدواریم که خیلی فائده داشته باشد و اگر نتیجه نگیریم بلکه اسباب این بشود که مثل سابق مورد تعرضات بشویم و باز يك جمعی اسباب رنجشان بشود و بگویند که چرا این زحماترا کشیدیم تفری ندارد این يك مسئله است مسئله دیگر در باب خیلی محاسبات دیگر گمان می کنم خیلی کار است و بنده بکندری هم از کمیسیون سابق دفاع میکنم که علت اینکه اول شمه اهانه وارد شدند این بود که وقتیکه اینها وارد شدند و تفتیش کردند دیدند که اول پولی که

وارد وزارت مالیه شده بود پول اهانه بود این بود که اول بانجا رجوع کردند خیلی محاسبات دیگر هست که ما وقتی که رجوع میکنیم می بینیم در دفتر ثبت شده است و اگر این يك رشته اداره باشد البته تکلیف ماست که برویم تفتیش خودمان را بکنیم ولی بنده یکی از نمایندگان هستم نمی توانم قبول کنم که بکنفر یا دو نفر از نمایندگان يك اداره مالیه را اداره کند یا اینکه يك شعبه مالیه را اداره کند و از يك طرف هم نماینده مجلس باشد و بنده خیلی تمجید میکنم آقای صدیق حضرت را که با آن که مداخله نداشتند چون اداره کار داشته است مفا دادند و اینجا جداً تکلیف میکنم بمجلس شورای ملی و آن روز هم استدعا کردم که این ترتیب را خاتمه بدهند یکی از نکات کار های ما این است که در حرفهای خودمان هیچ اهمیت نمی دهیم هر قدر حرف مهم زده شود مهمل میگناریم و عقب او گرفته نمی شود بنده نمیگویم هیچ نماینده نرود بوزارتخانه برود ولی برای کاری که خودش دارد نه اینکه مداخله کند در امور يك وزارتخانه و الا بکنفر نباید هم و قبل باشد هم يك رشته یادآورشته یا پنج رشته کار وزارت خانه ها را اداره کند و هر کس این حال را دارد و بنده خدماتش را هم خیلی تمجید میکنم ولی این خدمت را کسی قبول میکند که وکالت نداشته باشد و اگر هم وکیل است از وکالت استعفا بدهد برود رسماً بنده این را تقاضا میکنم و میخواهم هر کس می خواهد در ادارات وزارت خانه ها مداخله نماید یا از وکالت استعفا بدهد یا از آن کارها نیکه دارد استعفا کند .

نایب رئیس - فرمایشات آقای وکیلالتجار صحیح است و فقط باید گفت مادامیکه استعفا نامه آقای صدیق حضرت خوانده نشده نمی توان ایشان را مستعفی دانست (مجلس یکساعت از شب گذشته ختم گردید .)

جلسه ۱۹۹

صورت مشروح روزیکشنبه ۲۹

شهرشوال المکرم ۱۳۲۸

مجلس دوساعت قبل از قروب آفتاب در نعت ریاست آقای ذکاءالملک تشکیل شد . صورت مجلس روزشنبه (۲۵) رامعاضدالملک قرائت نمودند .

فائین جلسه قبل ، آقایان قوام الاسلام ، نویری ، حاجی میرزا آقا ، صدیق حضرت ، آقاسید محمدرضا ، آقا سید علی آقا بدون اجازه ، آقا مشیرالدوله باعذر ، آقای سکرازی با اجازه غائب بودند آقایان سرداراسعد ، صنیعالدوله ، آقاشیخ محمد حسین یزدی ، معتمدالتجار ، معین الرعايا ، دهغدا بوقت مقرر حاضر نشده اند ، آقایان حاج مصدق الممالک ، حاج میرزا زین المابدین مریم بودند **رئیس** - درباب صورت مجلس اگر ملاحظه هست بفرمایند .

وکیلالتجار - بنده میخواستم عرض کنم که عرایض بنده دیروز فقط تقاضای همراهی نبود بنده عرض کردم که مجلس جداً باید اظهار همراهی کند که بعد از تفتیش وقتی که معلوم شد کسی در

اداره خلافتی کرده باشد مجازات داده شود و علاوه هم عرض کردم که نماینده که در ادارات خدمت می نماید یا باید از عضویت مجلس مقدس شورایی استعفا بدهد یا اینکه از آن کارهائیکه دارد استعفا نماید صریحاً دپروز عرض کردم که باید مجلس شورایی اینکار خاتمه بدهد و هیچ ایداً در صورت مجلس نوشته نشده است .

عزالملك - آقای وکیلالتجار میفرماید کسانی که در وزارتخانه ها کار دارند خوبست یا از نمایندگی مجلس استعفا بدهند یا اینکه از کار آن اداره استعفا بدهند و باینطور شاید خود و کلا هم بر ایشان مشتبه شود و گمان کنند که چهل نفر از وکلا در وزارت خانه ها کار دارند خوبست اسم ببرند که رفع این توهم بشود و آنها هم تکلیفشان را بدانند که اگر در وزارت خانه ها کار دارند و باید در آنجا کار بکنند از نمایندگی استعفا بدهند یا اینکه اگر در ادارات کاری ندارند دفاع نمایند

کاشف - این مذاکراتی که آقایان میفرمایند بنظر بنده راجع بشخص وکیل الرها یا است و گمان نمیکنم که مقصود کسی دیگر باشد برای اینکه فیراز ایشان را بنده سراغ ندارم که هم عضو مجلس باشد و هم در وزارت خانه ها کار داشته باشد و اگر غیر از ایشان سراغ دارند بفرمایند که ما مسوق شویم .

رئیس - دیروز در باب مطلبی که در او مذاکره کردیم راجع بدو هزار تومان اعتباری بود که معاون وزارت اوقاف خواسته بودند برای اداره اوقاف مذاکره زیاد شد ولی چون بالاخره عده برای اخذ رأی کافی نبود رأی گرفته نشد و حالا چون مذاکرات در آن باب زیاد شده است . [جمعی ثانیاً داخل در مذاکرات آن نمیشویم] اظهار کردند مذاکره در اینخصوص دیروز کافی نشد و هرچه مذاکره شد خارج از موضوع بود .

رئیس - دیگر داخل در مذاکره نمی شویم رأی میگیریم با اوراق یاردمی کنند با قبول هر کس اعتقاد ندارد رد میکند برای یک مسئله مختصری از یکروز بیشتر وقت مجلس را نمی شود صرف کنیم

آقا حاج شیخ الرئیس - میخواستم از معاون وزارت عاوم و فوائد عامه یا از ممبر استکشاف کنم که آیا در مقابل این پولی که حالا دولت برای این اداره میدهد یعنی اگر مجلس تصویب میکند تصور منصفتی هم شده است برای دولت یعنی بعد از آنی که این اداره اوقاف خیلی مرتب نشد برای آینده فایده خواهد داشت یا خیر یعنی بعد از که این اداره مرتب شود که انشاءالله اسباب این بشود که هر وقتی به مصرف خود صرف شود که حالا ضرر او را متحمل شویم چونکه بنده نمیدانم رأی نخواهم داد و آیا در آینده هیچ درآمدی و انتفاعی برای دولت ملاحظه شده است که در این موضوع صرف شود یا خیر چونکه بنده اینمطلب را نمیدانم رأی نخواهم داد .

معاون - این سئوالی را که فرمودند بنده السامه چه جواب عرض کنم اینکه تصور میفرمایند که اداره اوقاف بعد از اینهم فایده نخواهد داشت اینطور نیست

البته اسبابهائیکه برای پیشرفت اداره اوقاف لازم است تهیه شود فایده خواهد داشت - فایده اداره اوقاف بر حسب دستور العملهائیکه از طرف مجلس مقدس داده شده است و البته اگر بر حسب آن اختیارات این اداره اقدام بکنند فایده خواهد داشت ولی فایده هم بر دو قسم است یکی آنست که مستقیماً راجع بدولت باشد البته امروز این فایده را ندارد اگر فایده که راجع بعموم و نظم اداره مملکت و کارهای عامه است البته در ضمن تشکیل این اداره آن فواید خواهد داشت و اگر بهمان ترتیبی که گفته شده و نوشته شده است عمل شود شاید برای مردم فوائد زیاد داشته باشد و اطمینان میدهم که هر ساعتی که این اداره آنطوریکه دائر شود اداره شد البته همانطوریکه عرض کردم فوایدش خیلی است ولی اینکه السامه که این دوهزار تومان را خواسته ایم یا فردا باذاه آن يك فایده داشته باشد این را بنده نمیتوانم تا یکماه دیگر عرض کنم که فایده خواهد داشت و این مبلغ که خواسته شده است فعلاً برای این است که این اداره باقی باشد تا کم کم آن چیزهائیکه لازم است فراهم شود و شبیهات آن بولایات کشیده شود بعد از اینکه مرتب شود آنطوریکه باید اداره شود اداره شد و معنی اداره از او حاصل شد البته آن فوائد یکبار از او منتظریم خواهیم دید و حالا آقایان چون رأی خواهند داد بنده ایندو کلمه را لازم میدانم عرض کنم که این رأی که میدهند عبارت از این خواهد بود که این اداره باشد یا نباشد اگر رأی ندهید از فردا بکلی این اعضائی که شش هفتماه است مجانی برای دولت کار کرده اند متفرق خواهند شد برای اینکه کسانی که ۷ ماه بامید حقوق خدمت کرده اند و حتی در دو ماه آخر بنده آنها را بوهده و وعید نگاه داشته ام و هر ساعتی که مایوس شوند از اینکه بآنها همراهی نخواهد شد بکلی مایوس میشوند و دیگر حاضر نخواهند شد دیگر بسته برای مجلس است هر طوریکه مقتضی می دانند اختیار دارند و در هر صورت چنانچه نمی خواهند این اداره باشد برای این چند ماهه که حاضر بوده اند باید چیزی منظور بشود که بایشان بدهند.

عز الملك بطوریکه دیروز عرض کردم در این خصوص اظهار عقیده نکردم و حالا هم اظهار عقیده نمی کنم که تصویب شود یا نشود ولی عرض می کنم در یک جلسه که بنده بودم در کمیسیون بودجه ترتیباً کثرت ۱۵ - ۱۶ نفر این لایحه رد شد و بعد از آن که در جلسه رد شد و دیگر کمیسیون حق نداشت که ثانیاً آنرا مطرح مذاکره قرار بدهد و تصویب نماید و حالا اگر میخواهید رأی بگیریید بمعینه بنده باید برای اولی کمیسیون رأی بگیرد

رئیس - آنچه اینجا نوشته شده است دیگر ما تکلیفی غیر از آن ندارم برای اینکه ما می بینیم که يك راپرتی آمده است و دیروز هم اینجامدتی در آن باب مذاکره کرده ایم حالا رأی میگیریم چنانچه این اعتبار را تصویب می کنند که داده میشود والا رد میشود کسانی که موافقتند باین راپورت که این اعتبار داده شود و ورقه سفید بیاندازند (اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان استخراج نموده نتیجه بقرار ذیل اعلام شد .)

معاذ الملك - عده حاضر (۷۴) ورقه سفید [۳۵] ورقه آبی [۲۴] امتناع [۱۵] کسانی که تصویب کرده اند - معز الملك -

دکتر امیرخان - اسان الحکماء - بهجت - آقا میرزا داودخان . کاشف . حاجی فاتح الملك . فهیم الملك . ذکاء الملك . آقا سید جلیل . منتصر السلطان . آقا میرزا ابراهیمخان . ابوالقاسم میرزا . آقا میرزا احمد صدر العلماء . تربیت . آقا شیخ مهدی . هاشم میرزا . آقا شیخ غلامحسین حاجی سید ابراهیم . آقا میرزا مرتضی قلی خان . دکتر علی خان . حاج میرزا رضاخان . مؤتمن الملك . سلیمان میرزا - آقا شیخ ابراهیم . وحید الملك . معین الرعايا . حسنعلی خان . اردبیلی معتمد التجار . ضیاء الممالک . حاجی سید نصرالله آقا شیخ رضا

کسانی که رد کرده اند - ادب التجار . وکیل التجار حاج آقا . ممتازالدوله . عز الملك . متین السلطنه ناصر الاسلام . حاج میرزا زین العابدین قمی . معاضد السلطنه . حاج محمد کریمخان . آقا سید محمد باقر . ادیب . حاج شیخ علی . آقای شیخ علی شیرازی . حاج مصدق الممالک . آقا میرزا محمد صادق . آقا محمد بروجردی . حاج دکتر رضاخان آقا عبدالعسین . مستشارالدوله . دکتر حیدر میرزا حاج شیخ اسدالله . حاج عز الممالک . افتخار الواعظین

رئیس - نتیجه بدست نیامد امروز دیگر در اینخصوص مذاکره نمی کنیم و میگذاریم برای جلسه دیگر راپورت شعبه پنجم که شعبه بریاست آقای مؤتمن الملك منعقد شده بجای آقای صنیع - الدوله که از عضویت کمیسیون بودجه استعفا داده آقای آقا میرزا ابراهیم قمی را با کثرت ۶ رأی از ۹ رأی به عضویت آن کمیسیون انتخاب نمود نیز راپورت کمیسیون پست و تلگراف قرائت شد که در خصوص معادن [] [و گوگرد و نمک و غیره در جنوب ایران که چند کمیانی جهت اجازه امتیاز گرفتن بتوسط وزارت فوائد عامه لوابیح پیشنهاد مجلس مقدس نموده بودند در کمیسیون مذاکره شد و چون حاج معین ادها می نمود که جزاثر مزبوره در اجازه من است لهذا ایشان با تمام اسناد مربوط بامتیاز و اجازه بکمیسیون دعوت شدند چندین جلسه باحضور وزیر فوائد عامه با اسناد ایشان مراجعه و مذاکره شده و تفصیل آنها از قرار ذیل است [۱] فرمانی بود که مشعر بود پروا کلداری معادن کل سرخ از طرف دولت بجای ناخدا علی بوشهری در تاریخ ذی قعدة [۱۳۰۷] [۲] فرمانی دولتی که معادن کل سرخ را ده ساله از قرار مبلغ ۱۲۰۰۰ تومان در سال بملك التجار بندر عباس داده اند تاریخ قوی نیل [۱۳۱۲] [۳] ورقه انتقال نامه که ورثه ملك التجار بندر عباس آقا محمد شریف نام در سنه ۱۳۱۴ حقوق امتیازنامه خود را بجای معین التجار بوشهری واگذار نمود [۴] فرمان امتیازی که دولت بموجب آن امتیاز معادن کل سرخ و غیره را باداشم و مالکم تجار مسیحی واگذار نموده

تاریخ رجب ۱۳۱۴ در حاشیه همان فرمان در تاریخ ۱۹ محرم ۱۳۱۷ از طرف دولت به بهر مرحوم میرزا معسطنخان مشیرالدوله وزیر امور خارجه بطلان امتیاز تجار مسیحی را تصریح و امتیاز حاجی معین التجار را تصدیق نموده و سفارت انگلیس نیز امضاء نموده که حاجی معین التجار خسارت تجار مسیحی را داده و حقوق آنها باطل شده است - مراسم مرحوم

امین الدوله صدر اعظم بسفارت انگلیس درباب تصدیق حکمیت راجع بحقانیته معینالتجار و بطلان امتیاز تجار مسیحی

(۶) فرمان دولتی بتاریخ شهر رمضان ۱۳۱۵ راجع بحقانیته و ایفای امتیاز معادن خلیج فارس برای حاجی معینالتجار از زمان اجاره سابق و بطلان فرمان دولتی که بتجار مسیحی داده شده بود

(۷) فرمان دولتی بتاریخ شهر رجب ۱۳۲۲ که امتیاز معادن مزبور را بدون مدت بحاجی معینالتجار و قرارداد های سابقه را تصدیق میکند

(۸) دستخط شاهنشاه مرحوم مظفرالدین شاه طالب ثراء بولیمهد بتاریخ بیلان نیل ۱۳۲۳ در تأیید و تقویت فرمان ۱۳۲۲ و نیز حاجی معینالتجار در کمیسیون اظهار نمودند که من بموجب فرمان و دستخط اخیر که در دست دارم معقوستم لکن هر قرار عمومی که دولت در کار معادن بدهد منم تابع آن قرارداد خواهم بود - تا نیا کسانیکه مایل بقبول اجاره این معادن هستند خوب است دولت مقرر فرماید معادن بنادر خلیج فارس بطور کمیانی شرکت دایر شود و سرمایه تقسیم با سهام شود که این اشخاص یا هر کسی که خواسته باشد قبول سهم و شرکت نماید آزاد باشد - تا نیا نظر بمقدمات چندین ساله و زحماتی که در طول مدت در آبادانی و حفظ این بنادر نموده ام البته حق تقدم من در مجلس تصدیق خواهد شد و مهندسا حاضر هم که بهر طور عدل و انصاف اقتضا و حکم نماید تابع و مطیع باشم نظریات کمیسیون در خصوص اسناد حاجی معینالتجار در حقانیت و عدم آن از قرار ذیل است بعد از فرمان پادشاهی که در سنه ۱۳۱۵ صادر شده و اجاره ده ساله حاجی معینالتجار را که شروعش از سال ۱۳۱۳ بوده است بموجب فرمان ملکالتجار بندر عباس که ورثه او شرعاً منتقل نموده است تأکید می نماید اورا تیکه بعد از آن فرمان حجت خود میدانند اعضای کمیسیون در تصدیق آنها رای ندارند چنانچه ملاحظه میشود قبل از ختم مدت اجاره فرمانی صادر نموده اند در سنه ۱۳۲۲ توضیح آنکه چون مدت اجاره و امتیاز حاجی معینالتجار منقضی نشده بود این فرمان صادر میشود که از این تاریخ و مابعد معادن بنادر خلیج فارس که امکان در تصرف مشارالیه بوده سالیانه همان ۱۴۴۰۰ تومان را بدولت بپردازد و دستخط هم که در سنه ۱۳۲۲ صادر شده فرمان مزبور و مدلول آنرا تأکید نموده و حاجی معینالتجار نظر بکلیه مابعدا که در فرمان است و عبارت تغییر ناپذیر که در دستخط است اجازه امتیاز خود را ابدی فرض می نماید و کمیسیون نمیتواند يك اجاره ابدی را تصویب و آن فرمان و دستخط را که سنه - ۱۳۲۲ و سنه ۱۳۲۳ منقضی و تصرفات حاج معینالتجار از آن بیدم بموجب سند است کمیسیون مورخه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸ با حضور جناب وزیر مالیه و جناب وزیر فواید عامه و چند نفر دیگر از نمایندگان تشکیل شد و اوراق و اسناد را کاملاً ملاحظه نموده رای اخیر کمیسیون و وکلای محترم اینطور قرار گرفت که چون حاجی معینالتجار سندی ندارند که حقانیت ایشان را مدلل نماید و این معادن جنوب هم از قانون کلیه معادن مستثنا است و تقریباً حکم خالصه و معدن فیروزه را دارد چون مکشوف بوده و خرج استخراج از معدن و کپس نمودن خاک را و حمل بانبار و از انبار بکشتی کلیه صدی هشت خرج برمی دارد یعنی از يك صد

هزار تومان خاک نود و دو هزار تومان نفع می برده است لهذا اجاره دادن را هم مناسب ندانسته بهتر این است که خود دولت معادن خلیج فارس را تصرف نماید و بتوسط مأمورین در جزایر و بنادر بهر نوع که صلاح می دانند اقدام نمایند حال بسته به رای مجلس است

حاج سید ابراهیم - در مسئله بنادر و معادن بنادر شرح حال هر دو مفصلاً نوشته شده و حاج معینالتجار هم يك کتابی در این خصوص چاپ کرده است و همچنین راپرت وزراء را که مخالف راپرت کمیسیون است چاپ کرده اند و داده اند و بنده چند اشکال در اینجا دارم یکی اینکه آن را از وظیفه کمیسیون نمی دانم چرا برای اینکه بر میگردد باینکه آیا این مدت که در فرمان قید شده مدلول آن را باطل میکنند یا باطل نمی کنند اگر فرمان باطل باشد که باید دولت تصرف کند و الا باید در تصرف در تصرف اولی باشد یعنی باید در تصرف حاج معینالتجار باشد و اینکه کلمه [مابعدا] یا لفظ (ابدی) سبب بطلان فرمان باشد اغلب از فرمانها باطل خواهد شد برای اینکه این لفظ در اغلب از آنها هست و در هر صورت عقیده ام اینست که این راجع بجلسه خود وزراء است و از وظیفه کمیسیون نیست که تصدیق یابد کند این یکی و یکی دیگر اینست که بر فرض که وظیفه کمیسیون باشد کمیسیون در اینجا تصدیق ابدیت فرمان نکرده است نهایت این است که ابدیت آن را اشکال کرده است برای اینکه می گویند کمیسیون نمیتواند ابدیت ملک فرمان را تصدیق کند یعنی خود فرمان جعلی نیست و الا اگر بگویند جعلی است آنوقت اصل فرمان باطل میشود پس از آنی که این اجاره ابدی را نمیتواند تصدیق کند معلوم میشود که خود فرمان را تصدیق میکنند ولی ابدیت آنرا تصدیق نمیکنند و اینهم يك امر مشکلی نیست برای اینکه این يك چیز کلی است که باید دید اگر يك فرمان ابدی صادر شود باطل است یا باطل نیست و در فرمان اولیش کمیسیون نوشته است که از بابت آنها رای نداده و این را بنده نفهمیدم برای اینکه اگر ساختگی و باطل است که البته باید حکم کند بصحت و عدم بصحت معنی ندارد یا باید بگوید که این معادن را دولت باید اداره کند یا اینکه حاجی معینالتجار نصفش را از برای دولت می داد بهتر بود و اینطور بمقیده بنده صحیح نیست و همچنین در باب راپرتی که داده است وزرا بشکل دیگر راپرت داده اند و کمیسیون بشکل دیگر راپرت داده است وزراء این طور راپرت داده اند که (۱۵۰) هزار تومان حاج معینالتجار بدولت بدهد و از برای خود دولت آن را اداره کند یعنی نصف برای دولت و نصف دیگر را برای خودش اداره کند که خرج آن نصفه را هم خودش از عهد بر آید و یا اینکه ۵۰ هزار تومان بحاجی معین داده شود و اسباب و آلاتی که دارد بتصرف دولت باشد حالا کمیسیون طور دیگر اظهار عقیده کرده است عقیده

بنده در این خصوص این است که این مطلب بر گردد بجلسه هیئت وزراء و در آنجا مذاکره شده با حضور هیئت وزراء قراری که مبنی بر تراضی باشد در این خصوص بدهند چرا برای اینکه کمیسیون حکم به بطلان فرمان نکرده است و از طرف دیگر هم از مدت امتیاز مقداری باقی است پس باید بتراضی يك قراری در این باب صادر شود برای اینکه هم در راپورت وزراء و هم در راپورت کمیسیون صرفه دولت را ملاحظه کرده اند پس لازم است که در این خصوص قرار صحیحی داده شود و دیگر اینکه از قراریکه شنیده ام می گویند در دو فرسخی طهران معدن نقره است و روزی صد نفر در آنجا کار می کنند چرا آنرا دائر نمی کنند - بنده می خواستم از آقای معاون وزارت فواید عامه این را سؤال کنم که آیا همچو معدنی است در دو فرسخی طهران و اصل دارد یا اینکه نیست و اگر هست در دایر کردن او شده اند یا شیر ؟

مختصر السلطان - اینکه آقای حاج سید ابراهیم در خصوص کلمه « ابدی » فرمودند در فرمان که لفظ ابدی نیست فقط اشاره که شده است در فرمانی که حاج معینالتجار تکیه گاه و سند خودشان قرار داده اند و مستمسک آن کلمه (مابعدا) هستند چنانچه در تمام قوالین این کلمه نوشته میشود حتی در قوالین حکام هم ذکر میشد که از هده السنه و مابعد ها حقوقات و مالیات دیوانی آنجا را هاید دارند چون حکومت آنجا هم با خود حاجی معین بوده و مالیات آنجا را می گرفته اند و میپرداخته اند بتفصیل که خود حاجی معینالتجار در کتابچه که چاپ کرده است نوشته است و در آنجا هم دوسه سطر کمیسیون توضیح داده است و آن دوسه سطر را بنده می خوانم تا خاطر نمایندگان مسبور شود و در خصوص لفظ ابدی هم بنده از آنکه فرمان را ملاحظه کرده اند معین خواهد شد که اینطور نیست و آن توضیح اینست که میخوانم توضیح که چون مدت اجاره و امتیاز حاج معینالتجار منقضی شده بود این فرمان صادر می شود که از این تاریخ و مابعدا معادن بنادر خلیج فارس که امکان در تصرف مشارالیه بوده سالیانه همان [۱۴۴۰۰] تومان را بدولت بپردازد دستخطی هم همین قسم تأکید بر این بود که خطاب بولیمهد بود و در آن همینطور نوشته شده است که مطلقاً بهیچوجه من الوجوه حکام دخل و تصرفی در امور آنجا نداشته و نخواهند داشت و وصول مالیات و نظم و ترتیب محل مزبور با حاجی معینالتجار است پس برای اینکه حکومت آنجا را هم با او گذار کرده بودند کلمه و مابعدا را در آنجا ذکر کرده اند و الا در فرمان نه لفظ ابدی است نه اجاره ابدی است و نه اینکه مدتی در آنجا ذکر شده است در سنه ۱۳۱۲ این معادن را دولت اجاره داده به ملکالتجار بندر عباس بایک لقب ملکالتجاری که باو دادند و همین قسمی که در راپرت ذکر شده که (ارشم) و (ملکم) آمدند برای خودشان امتیاز گرفتند ولی حاج معینالتجار مدلل کرد که قبل از وقت امتیاز آنجا را به ملکالتجار داده اند و مشیرالدوله مرحوم شیخ محسنخان و امین الدوله نشسته اند در سفارت انگلیس و حقانیت او ثابت شد این بود که در حاشیه این فرمان بطلان امتیاز تجار مسیحی

را تصدیق نمودند و در سنه ۱۳۲۲ مجدداً فرمان صادر گردد و در آنجا نهم مدت و نه تاریخ و نه ابدیت آنرا ذکر کرده است و نه چنین لغتی در آنجا نوشته شده است هیچ از این قیودات در آنجا ذکر نشده است این بود که هیئت وزراء را کمیسیون دعوت نمود و هم چنین وزیر پست و تلگراف آزرمان و حالیه را و چند جلسه در این خصوص مذاکره شد و بالاخره کمیسیون اظهار نمود که اگر رای کمیسیون را بخواهند در این باب بدهند هیچوقت کمیسیون نمی تواند تصور بکند که یک مدتی نباید ابدی تصور بکند در حق یک زیدی و بگوید که ابدی باشد حالا اگر مجلس می خواهد ملاحظه خدمات و زحمات حاج معین التجار را بکند باید ترتیبی که وزراء می دانند پیشنهاد کنند تا تصویب شود .

وکیل التجار - یک قسمت از راپرت کمیسیون این است که گویا یک مختصر ایرادی شده است که چرا قبل از انقضای مدت اجاره یک فرمان دیگری صادر شده است این را بنده هیچ ایراد تصور نمیکنم برای این که این مادی است و نه خلاف شرع و نه عرف و نه خلاف عادت این مملکت و نه خلاف عادت جاریه هیچ مملکتی است که یک کسی که معالی را اجاره کرده است قبل از اینکه مستعفی شود برود برای اینکه تکلیف آتیه اش معین شود آن اجاره را تا یکساعت تجدید کند اما اینکه در باب ابدی فرمان گفته اند صحیح است بنده هم هیچوقت فرمان ابدی را تصویب نمیکنم و چون آن فرمان را ندیده ام این عبارت هم اینجا ناقص نوشته شده است نمیتوانم قبول کنم که آن فرمان ابدی است و این یک مسئله است که گمان نمیکنم مابه النزاع باشد بجهت اینکه با آن ترتیبی که میگویند و از فراری که خود حاجی معین التجار در کتابچه خودش نوشته است اقتضای یک اجاره ابدی را نکرده است فقط گفته است که اگر قراری در باب سایر معادن بخواهند بدهند من حاضرم بهر قراری که بگذارند و اگر یک اضافه هم بخواهند من حاضرم بدهم و چون در اجاره من بوده است آنها را اداره نمایم که رعایت زحمات سابقه من هم شده باشد و گمان نمیکنم که اینجا یک مسئله مابه النزاعی باشد بجهت اینکه کمیسیون ابدیت آن فرمان را تصدیق نکرده و آقایان هم همینطور تصویب نمیکنند مثل اینکه بنده هم شخصاً هیچوقت یک معدن و یک محلی را تصویب نمیکنم که ابدی در تصرف یک نفر باشد ولی سزاوار نمی دانم که دولت ما امروزه بفل کند برای این که اگر صورت عمل کرد این چند مدت را بما میدادند آنوقت می توانستیم بدانیم که چطور زحمات کشیده اند و با این که میدانم که این اجاره هر چه هست در دست یک نفر ایرانی است بنده صلاح نمی دانم که اینقدر ما سخت و دقیق بشویم و در هر صورت آنچه عقیده شخصی خودم است اینست که مجلس شورای ملی این فرمان یا این نوشتجاتی را که از طرف دولت حاجی معین دارد تصور کنند که چیزی است که در دست دیگری است یعنی تبعیض نکنند برای اینکه ما نباید با یک عده یک طور رفتار کنیم و با یک عده طور دیگر وقتی که یک چیزی در دست ایرانی واقع شده بطور دیگر نگاه کنیم بلکه بنده عرض

میکنم که در این گونه موارد ما باید بیشتر همراهی کنیم که اسباب امیدواری آنها بشود و بعد از این با کمال شوق و امیدواری داخل شوند بکارهای بزرگ از قبیل استخراج معادن و ساختن کارخانجات و سایر چیزها که اسباب آبادی مملکت بشود برای اینکه این را همه مهیا کنید که ثروت در مملکت باید دست اهل مملکت باشد و هر قدر اهل مملکت بتوانند زحمت بکشند و ثروت خود را زیاد کنند در حقیقت مال همان مملکت است و این مسئله را خواستم پیشنهاد کنم که اساساً ما این ملاحظه را باید داشته باشیم که اگر یک چیزی در دست یک نفر ایرانی باشد ما او را بملاحظه این که ایرانی است هر حکمی را که میخواهیم بکنیم بلکه تا یک اندازه از او ملاحظه کنیم باین جهت عقیده بنده در این خصوص این است که این مطلب را دومرتبه برگردانید و یک فراری هم که ملاحظه صرفه دولت و هم حفظ حقوق سابقه حاج معین التجار و زحمات سابقه اش شده باشد بدهند ولی در این کتابچه که چاپ شده است یک چیزی دارد که خیلی اسباب تعجب شده بود و کمیسیون در باب آن اظهار نکرده فقط یک رای داده است که خوبست دولت این معادن را بعد از این خودش دائر کند و تصویب آنرا بگذار کرده است برای مجلس و آن این شکایاتی است که می کنند حالا صحیح است یا غلط نمیدانم اگر صحیح است چطور شده است که چیزی را که کسی زحمت کشیده و بموجب چند ماده قانون اساسی حق اوست چطور از پد او خارج کرده اند و این را چطور میشود تصدیق کرد و اگر نباشد که بگوئیم تمام هستی یک نفر مال دولت است آیا نباید عدلیه یا مرکزی که دیوان عدالت مملکت است حکم کند و بدون آن آیا تصرفات و فروش او باید برای مجلس شورای ملی باشد این را باید دید که چطور شده این طور جزئیات را ما همیشه صرف نظر می کنیم و هیچ ملاحظه نمیکنیم که این اتفاقات است که مردم را بکلی از ما متنفر کرده است چرا برای این که می بینید برای این که رانی داده باشیم یا حق یا باطل را اگر چه مجلس شورای ملی با اکثریت چیزی را که باطل است تصویب نمی کند ولی عرض می کنم که چطور میشود که بکنند بمیل و اراده شخصی خود میروند تصرف در مال بکنند و دارائی هستی مردم میکنند اینها چیزهایی است که در ممالک دور دراز واقع می شود مردم نمی دانند علت آن چه بوده و کسی نمیدانند که مجلس رای نداده است مثلاً اگر در کرمان کسی تعدی می کنند یا جای دیگر آنها نمی دانند که کسی تعدی میکنند دشمن مشروطه اند و واقعا دشمن اساسی عدل و مساوات هستند و اینها هستند که میروند بفرمان مردم تعدی میکنند که چون مشروطه شده است این تعدیات می شود چون می بینم که نوشتجات میرسد از کرمان که مردم میگویند راضی هستیم بهاهون و باهمیروم از شر اوضاع امروزه خلاص شویم و هیچ کسی نیست که بگوید چرا این جور موضوعها را عقب نمیکنند بنده عرض میکنم که باید دانست که این ترتیبات

از جهت و از کجاست که اینکارها را میکنند و از برای چه میکنند و اگر کسی بیاید بگوید که من میروم از فلان جا صد هزار یادوست هزار تومان پول برای شما تهیه میکنم هیچ نباید راضی باشیم و اینرا غنیمتی برای خودمان قرار بدهیم برای اینکه ما هر چه بخواهیم از اول صحت می خواهیم پس خوبست یک قدری بیشتر مجلس شورای ملی توجه باینطور کارها بکند حالا اختصاص باین یک مورد ندارد کلیه مرض می کنیم که باید مجلس شورای ملی خیلی دقت بکند و ملتفت باشد که از اشخاصیکه در دارائی مردم تصرف می کنند و تعدیات بحق آنها میکنند جلوگیری شود تا اینکه اسباب تنفر مردم از این اساس فراهم نشود .

منتصر السلطان - اینجا دو قسم مذاکره شد یکی تقریباً راجع بوزرای سابق بود که تکلیف بنده یعنی حق هر نماینده است که از وزرای سابق دفاع کند که حکمی را که کرده اند بخط نکرده اند یکی هم در باب ضبط معادن است که می خواهند ببینند که آیا دولت می تواند اداره کند بهتر از یک نفر دیگر یا بهتر از کمیانی یا اینکه نمیتواند البته می تواند برای اینکه این صورت های ابدی این مدت است که خود دولت اداره کرده است و بموجب کتابچه که خود حاجی معین التجار طبع و توزیع کرده است ۱۷۸۳۷۹ در اداره گمرک جنوب از برای معادن جنوب خرج کرده است و [۴۰۰۰] تن خاک از آنجا استخراج کرده که ۴۰۰۰ تن از قرار تنی دولیره و دو شلینگ و نیم خرجش شده یعنی صدی شش کمتر خرج کرده است و چیزی را که حاجی معین التجار از برای ماصورت بدهند خیلی باعث تمجید است ادارات دولت ما امروزه خیلی صحیح است مثل قدیم و دوره استبداد نیست که رسیدگی نکنند خیلی خیلی صحیح کار میکنند اما در باب وزرای سابق که تکذیب کرده اند وزیر مالیه و وزیر فواید عامه سابق دعوت شده آمدند در کمیسیون و بعد از مذاکره زیاد بملاوه (۹) نفر عضو کمیسیون یک هیئتی هم از نمایندگان که در آنجا موجود بودند ثابت شد که از سنه ۱۳۲۳ اگر چه حاجی معین التجار دخالت در امر معادن کرده اند ولی بدون اساس و سند و بی جهت بوده است و حقوق مسلمه بیچاره مردم را برده و خورده اند ما که برای یک اداره اوقافی که دوهزار تومان تصویب نمیکنیم میآئیم اینجا و رضا هستیم که منافع یک معادنی را بکنند ابدالاباد ببرد بخورد بنده عرض میکنم این معادن حکم خالصه جات دولتی دارد مثل خالصه جات اطراف طهران که کمیانی آنها را اجاره کرده است و نباید گفت که چون مال دیوانی است و ابدالهر شاه می تواند واگذار کند دولت بهر کسی میباید که خودش اداره کند یک مهندس هلندی میآورد و خودش کار میکند سه سال اول سالی ۳۰۰ هزار تومان دخل میدهد و بعد دخلش میرسد بجاییکه کم کم از یک کرور منجاوز میشود پس در این صورت برای چه ما اینجا بنشینیم و بگوئیم ادارات مادرست نیست صحیح نیست برای اینکه امروز ادارات گمرک ما منظم است یعنی تمام ادارات دولت ایران نسبت

بسیار منظم تر و بهتر است اینرا خواستم دفاع کنم از وزرای سابق که با آنها ثابت شده است که از سنه ۱۳۲۳ باین طرف بدون جهت حاجی معین التجار دخالت کرده است در این معادن این بود که تلگراف کردند اداره گمرک در آنجا حاجی معین التجار دخالت نکند و آن اداره هم بدین جهت دخالت نکرده اند این بود که عرض کردم .

معاون وزارت فوائد عامه - چنانچه از

از تفصیل رایورت کمیسیون معلوم شد این لایحه در دو سه ماه بکلاس چهارم ماه قبل پیش نهاد شد ولی بهین ملاحظاتی که عیالنا مذاکراتش می شود وزای آنوقت مصلحت می دانستند که این مسئله دوباره رجوع شود بکمیسیون که یک فکری بکنند و یک ترتیبی برای این کار بدهند که تمام اطرافش ملاحظه شود این بود که این کار را هم کردند رایورتی هم در این باب داده شد در خود این رساله که حاجی معین التجار چاپ کرده است وزارت فوائد آن وقت هم حاشیه آن را امضاء کرده است ولی این که آنوقت اظهار نشد و تا بحال این رایورت آنجا بوده است و نیامد بمجلس جهتش این بود که وزرای سابق تغییر کردند و بنده چون موقتاً داخل اینکار بودم همچو تقاضا کردم که رایورتی که در مجلس قرائت می شود قبلاً بهیئت وزرای حالیه ارائه شود که آنها هم باتجدید نظری بکنند و در این خصوص ملاحظات خودشان را بکنند و هر چه که در این باب نظرات آنها به مجلس اظهار شود و بدبختانه این مسئله واقع شده چندین مرتبه هم بنده خواهش کردم این مسئله رایک وقتی را که بکنند بواسطه بعضی کارهای فوری که داشتند نتوانستند حالا اگر مجلس تصویب میکند بازراجع شود باین که وزراء و کابینه حالیه هم در این باب درست وقت بکنند و اطراف مسئله را خوب به بینند و رایورت سابق را هم بخوانند و خودشان هم اگر نظریاتی دارند تجدید نظر نموده که تمام اطراف ملاحظه شده باشد .

رئیس - پس دوباره رجوع میکنیم که هیئت وزراء ترتیب آخری را دو باره پیشنهاد کنند

منتصر السلطان - پس در این صورت

خوب است بکمیسیون رجوع شود که در کمیسیون با حضور وزراء مذاکره شود و با رایورت مجلس نیاید

ارباب کیخسرو - اصلاً بنده نمی فهمم گفتگو بر سر چیست زیرا در قانون اساسی بموجب اصل ۱۶ و ۲۷ و ۲۸ قوای ثلثه را از هم مجزی میکنند و در محاکمه ابداً فرقی نیست زیرا بین اینکه ارکان دولت یا کسان دیگر طرف باشند فعلاً بر سر این معامله نزاع است لذا باید برود بعدلیه محاکمه شود بعد از آنکه معین شد حق بادولت است آن وقت در صورتیکه دولت بخواهد در ثانی امتیاز آنرا واگذار به مجلس بیاید والی الان نمی دانم بچه عنوان این مسئله بمجلس آمده است (بعضی اظهار کردند صحیح است)

وکیل التجار - بنده هم عرض کردم که بعد از اینکه اینها را دولت اداره کرده است نفهمیدم که چه کرده است والا مقصود دیگری نداشتیم و

در صورتیکه خودمان می گویم باید در این خصوص محاکمه شود پس قبل از محاکمه نه خودمان نه وزراء هیچکدام حق نداشتیم که متصرفاتی را از تصرف کسی خارج بکنیم تا اینکه محاکمه شود و خیانت دولت ثابت شود .

منتصر السلطان - اینکه در مسئله عدلیه

فرمودند این راجع بکار عدلیه نیست برای اینکه این یک کاریست که شخصی بموجب قانون فرمانی اظهاری که میکنند باید بیاید در کمیسیون که حل و عقد آن بشود کار عدلیه نیست و اما در مسئله اینکه اظهار فرمودند که این کار را هیچ کس نمی تواند از دست کسی خارج بکند این کار یک کار قانونی نبوده است بطوریکه عرض کردم در سنه ۱۳۲۳ مدت آن قرارداد منقضی می شود و اینکه تا بحال از او نگرفته اند هم دلیل این نمی شود که ما بعد از این نتوانستیم از او خارج کنیم چنانچه از بابت معین وقت و چشمه های جنوب بایستی دو هزار تومان سالیانه کمپانی بدولت بدهد (۹) سال است که بواسطه این هرج و مرج و انقلابات آن دوره کمپانی نداده وزارت مالیه در گرفتن ففلت کرده است مالیه وزیر امور خارجه مالیه از این مطلب مسبوق شده و بعهده گرفته است که این ۱۸ هزار تومان را از کمپانی بگیرد در صورتیکه در سنه ۱۳۲۳ اجازه این باطل شده است بطور می شود آنرا گذاشت از میان برود .

ارباب کیخسرو - بنده بمصدق قانون

اساسی جداً عرض میکنم که این مسئله هیچ ربطی به مجلس و کمیسیون ندارد این مسئله ایست منازع فیها و ابداً مربوط به مجلس نمی باشد زیرا مجلس جای محاکمه نیست و کمیسیون برای محاکمه معین نشده است کمیسیون برای این معین می شود که هر وقت امتیازی یا لایحه قانونی در مجلس باشد رجوع شود بکمیسیون راجعه که در آن ملاحظات خود را بنمایند و خلاصه نظریات و رأی خود را به مجلس رایورت بدهند لیکن اینجا مسئله مسئله مرافعه ایست زیرا معین التجار می گوید حق من است دولت می گوید نیست در دعوی هم هر کس طرف باشد هیچ فرقی ندارد هر گاه مجلس یا دولت بخواهد برای اینکه خودش طرف است فرق بگذارد و محاکمه نشود مردم حق اعتراض و ایراد دارند بنده عرض میکنم در مقابل قانون هیچ فرقی نباید گذاشت چه دولت طرف باشد یا ادنی بیچاره همانطور که یک بیچاره باید قانوناً عمل کند ارکان دولت هم بدون تفاوت متساویاً باید مطیع قانون باشند .

رئیس - در هر صورت دیگر مذاکره در

این خصوص جایز نیست حالا که آقای معاون وزارت فوائد عامه تقاضا کرده اند بر میگردد به جلسه هیئت وزراء و هر وقت یک پیشنهاد ثانوی از طرف دولت نشد آنوقت مذاکره کنیم حالا چونکه در دستور مجلس چیزی نیست گمان میکنم از مطالبی که مهم است می توانیم جزء دستور بگذاریم و از آن جمله قانون تشکیلات عدلیه که طبع و توزیع شده است آقایان هم ملاحظه کرده اند آنرا می شود جزء دستور قرار بدهیم اگر مخالفی نیست داخل می شویم در شور کلی قانون تشکیلات عدلیه .

حاج سید ابراهیم - چون نمایندگان نمی دانستند که این قانون امروز خوانده میشود تا زگی در آن ملاحظات خود را شاید نکرده باشند بالنسبه گمان میکنم که مطالب جزئی را که برای روزهای یکشنبه قرارداد داده بودید خوب است امروز مذاکره کنیم و قانون تشکیلات عدلیه را برای سه شنبه و پنجشنبه بگذاریم .

دکتر عیالخان - یک سئوالی کرده بودم از

آقای وزیر است و تلگراف در خصوص مستخدمین نظامیه هیچ معلوم نشد آن سئوال چه شد حالا اگر ممکن است جواب بدهند اجازه بفرمائید سئوال خودم را عرض کنم .

موتمن الملک - بنده هم می خواستم همین

تقاضا را بکنم مسئله تشکیلات عدلیه است چون مهم است و درست آنرا مطالعه نکرده ایم اگر ممکن است یک چند روزی آنرا عقب بیندازید خیلی بهتر است - **محمد هاشم میرزا -** چون در هفته قبل روز یکشنبه قرار بود مسئله کمپانی خلاصه مذاکره شود و بعد بواسطه این که عده کافی نبود ماند و قرار شد مجلس برای روز دیگر که عده کافی باشد مطرح شود حالا اگر ممکن است آنرا مطرح شود قرار بدهند برای اینکه آن یک مطالبی میشود که مطالعه لازم داشته باشد و همه مسبوق هستند .

کاشف - آن روزی که بنا شد یک روز بر عده

جلسات مجلس اضافه شود بجهت کار های متفرقه و امتیازاتی بود که بمجلس آمده و معوق مانده بود و آن روز را معین کردند که آن کارها و آن امتیازات از مجلس بگذرد و بنده خیلی مدت است که می بینم یک امتیاز چرم سازی و صابون سازی بمجلس آمده و چندین مرتبه در آن مذاکره شده است و برگشته است بکمیسیون و هنوز نتیجه آن معلوم نیست این یک مطلب را خوب است امروز از مجلس بگذاریم و اگر باید رد شود رد کنیم .

رئیس - از قرار معلوم در قانون تشکیلات

عدلیه آقایان یک قدری میخواهند مطالعه کنند حالا اگر مسئله امتیاز چرم سازی و صابون سازی مذاکره شود ممکن است .

وکیل التجار - دیروز مذاکره در امتیاز

چرم سازی و صابون یزی در کمیسیون تمام شده است ولی نمی دانم رایورت طبع و توزیع شده است یا خیر اگر طبع و توزیع نشده است ممکن است مطرح مذاکره قرار داد .

رئیس - از قرار معلوم این رایورت طبع و

توزیع نشده است از امتیازات دیگری که بوده است امتیاز طلاشوی کوه زر است آنرا هم میتوان جزء دستور قرارداد .

حسنعلی خان - بنده می خواستم عرض کنم

اینکه آقای دکتر عیالخان گفتند که راجع بمستخدمین نظامیه از آقای وزیر است و تلگراف سئوالی کرده بودم بنده مشتبه شد اگر یک همچو سئوالی میکنند باید از وزارت داخله بکنند .

افتخار الواعظین - روز قبل که دستور مجلس را معین می کنند از برای اینست که اذهان آقایان نمایندگان مسبق باشد و در لوابی که جزء دستور است نظریات بکنند و با خودشان بیاورند از برای اینکه مطرح شود و چیزی که امروز در دستور گذاشته شده بود یکی همین راپورت فوائد عامه بود در باب همین معادن و بنادر یکی هم قانون تشکیلات عدلیه بود و بنده عرض می کنم چون قانون تشکیلات دو شور در آن خواهد شد و در مرتبه اول رأی گرفته نخواهد شد و سایر مطالب که فرمودند در دستور بگذاریم مسبق نبوده ایم که مطرح شود والا همراه می آوریم باینجه بنده استدعا می کنم اگر ممکن نیست که امتیاز چرم سازی مطرح شود خوب است همین قانون تشکیلات مطرح شود برای اینکه همه ما قانون تشکیلات همراهان است و این البته شور اول است و اگر ملاحظاتی و نظریاتی باشد ممکن است که در شور دوم آنرا پیشنهاد کنند.

حاج آقا - بنده هیچ تصور نمی کنم که یکروزی که کار آنرا بر سایر کارهای دوره های پارلمانی از حیث زیادی کار ترجیح میدهم اینجا بشینیم و واقعا متعجب بشویم و در خصوص دستور مذاکره کنیم که داخل چه مذاکره شویم و بخواهیم کار پیدا کنیم و تصور می کنم در آن چیزهایی که سابقا از طرف هیئت رئیسه پیشنهاد شده بود خصوصا همین مطلب که گفته شد اگر ما امروز در مجلس مشغول امتیاز طلا شوئی شویم واقعا مثل راپورت کمیسیون فوائد عامه است که آمد بمجلس و از وظیفه مجلس خارج بود اینهم یک چیزی است امروز ما مشغول خواندن او میشویم در صورتیکه خیلی محل گفتگو در خارج است و واقعا امروز هم وظیفه ما نیست که داخل بشویم و در شور طلا شوئی گوهر برای اینکه ما کار لازم تر از این داریم خصوصا همین لوابی قانونی که طبع و توزیع شده است و حاضر داریم من تصور می کنم که ماسلکمان را امروز اینطور فرار بدهیم که هیچ داخل در مذاکرات نشویم مگر کارهایی مهم اساسی که ببرد این مملکت می خورد با اینکه ما هزار کار های لازم و از قوانین مهمه که داریم یکی همین قانون تشکیلات عدلیه است و اینهم که گفتند یکروز بر جلسات مجلس اضافه شود برای این بود که باین کار هم برسند.

دکتر علیخان - بنده توضیحی دارم آقای حسنعلیخان چون به بنده ایراد کردند لازم است عرض کنم گفتند چرا این سؤال را از وزیر پست و تلگراف کردید چون علتش را هم در سؤال عرض کردم که ملاحظه کرده بودند این ایراد نمی کردند چونکه وزیر پست و تلگراف بودند که شخصاً اینمطلب را استر داد کردند باینجه بنده از خود وزیر پست اینمطلب را خواستم والا میدانم که این مسئله نظایه است و راجع بوزارت داخله است.

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف پیشنهادی کردند خواننده می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

چون حقوق اداری اجزای تلگراف خانه خیلی کم و کافی نیست و چون بودجه سال آتی که ترتیب شده حقوق اجزا را بر حسب کار و درجه معین کرده مقرر شود وزارت مالیه مقرر دیوانی آنها را از حقوق اداری کسر ننموده بلکه السنه ایتیل را بآنها بدهند.

وزیر پست و تلگراف - اگر اجازه بدهید چند کلمه توضیح بدهم که خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبق شود در سال گذشته نظر آقایان هست که بودجه چهار ماهه را آوردند و تقدیم مجلس کردند ولی آن بودجه چهار ماهه یکوقتی بمجلس تقدیم شد که در حقیقت صورت حساب بود و رجوع کردند بکمیسیون بودجه که یک تجدید نظری در آن بکنند و بالاخره تصویب نمایند در کمیسیون بودجه هم بعد از عودتش تصویب گردید و اغلب آن بودجه های چهار ماهه را نظر آقایان هست که بودجهائی که از وزارت جنگ و وزارت داخله بود جدید نوشته شده بود در اغلب ادارات هم جدید تشکیل شده بود و بودجه کافی بود و در ضمن این بودجه مامم مخارج چهار ماهه وزارت پست و تلگراف بمجلس آمده بود بعد از دقت و بررسی و مختصر اصلاحی کمیسیون بودجه آنرا هم تصویب کرد و در ذیل همه بودجه ها قید کرده بودند که حقوق دیوانی که اجزاء دارند باید جزء حقوق اداری آن ها محسوب شود و اگر حقوق کافی دارند موقتاً موقوف شود و اگر حقوقی کافی ندارند جزء حقوق اداری آنها محسوب شود حالا اداره پست و تلگراف همه آقایان خودشان مسبقاًند که اشخاصی که در این اداره هستند که از بیست سال تا سی سال خدمت می کنند از ۷ تومان تا هشت تومان و ده تومان الی ۲۰ تومان حقوق میگیرند چون همه تفاوت دارند دیگر لازم نیست که بنده تشریح کنم و بعضی از آنها هم از باب خدمتانی که از اجداد آنها دیده اند یکمقداری حقوق وراثتی هم دارند و هر کدام از اینها که در سال ۵۰ الی ۱۰۰ تومان حقوق دارند بعضی زیاد دارند یعنی در سال ۲۰۰ الی سیصد دارند حالا که اجزای این اداره رفته اند از وزارت مالیه حقوقشان را بگیرند آنها گفته اند چون شما در اداره مستخدم هستید حقوقی ندارید و البته این بر اغلب آنها خیلی شاق است مثل اینکه بنده هم تصدیق میکنم و گمان میکنم که خیلی از آقایان هم تصدیق بکنند که کسانی که چهل سال خدمت کرده اند و حالا ده تومان حقوق اداری دارند نمیشود گفت که آن سی تومان حقوق دیوانی را بگیرد و همان ماهی ده تومان را از اداره بگیرد این حقوق را وقتی باید قطع کرد که حقوق اداری آنها کافی باشد و بجهت توضیح و معاینه حقوق اجزای این دو اداره لازم است که صورت حقوق آنها را مفصلاً بنویسم و بنظر آقایان برسانم والا هم مشغول و امید وارم همین چند روزه بمجلس بیاید که مقامهایی که معین شده است آنوقت که آن حقوق را دادند باین مقام ممکن است که اینکار را کرد والا الان که آن حقوق مقام قانونی از مجلس نگذاشته است

بعقبه بنده یک قدری ظلم میشود نسبت با اجزای پست و تلگراف که بگوئیم حقوق دیوانی خودتانرا نگیرید حالا اگر مجلس اجازه بدهد خود کمیسیون بودجه ممکن است که آنها هم تجدید نظر کنند و در ضمن هم اشخاصی هستند که حقوق کافی ندارند آنها را امساله اجازه بدهند که قبوضشان حاشیه شود و حقوقشان پرداخته شود تا سال آینده که حقوق اداری در حق آنها برقرار شود ممکن است بعضی از آقایان بگویند که حقوق آنها را زیاد کنید ولی بنده در خیرخواهی آنرا ضرر دولت میدانم حقوق دیوانی آنها اگر خیلی زیاد شود پنج پش هزار تومان زیادتر نخواهد شد ولی اگر بخواهیم بر حسب مقام خودشان حقوق بدهیم خیلی زیاد تر از آنها خواهد شد و البته منصفانه تصدیق خواهم کرد آنها را که بنده تصدیق میکنم در صورتیکه کمال دقت را بکنیم و هر کدام را بقدر استحقاق بگوئیم این حقوق کافی است یا کافی نیست مجلس بوزارت مالیه اجازه بدهد که امساله حقوق مرسوم آنها را بدهد تا بودجه همین چند روزه بمجلس بیاید

رئیس - این مسئله را خوبت رجوع کنیم بکمیسیون بودجه که بعد از نظریاتی که دارد رأی خودش را در این باب اظهار نموده بمجلس راپورت بدهد.

آقا میرزا ابراهیم خان - چون آقای وزیر پست و تلگراف در ضمن فرمایشات خودشان اظهار کردند که مقرر دیوانی اشخاص موقوف باشد و حقوق اداری بآنها داده شود توضیحاً عرض میکنم که مقرر اشخاص بهیچوجه موقوف نخواهد شد و کمافی السابق بخرج دولت منظور است نهایت از باب حقوق اداری کسر خواهد شد و چنانچه نخواهد در اداره باشد استخدام نماید حقوق دیوانی خود را دریافت خواهد کرد

رئیس - حالا چند دقیقه تنفس است (مجدداً جلسه تشکیل شد و کابینه وزرا نیز تشریف آوردند) کابینه وزراء از این قرار که عرض میکنم تشکیل شده است حضرت والا عین الدوله وزیر داخله حضرت والا فرمانفر ما وزیر جنگ آقای معتمد السلطنه وزیر عدلیه آقای صنیع الدوله وزیر مالیه آقای نواب وزیر امور خارجه وزیر علوم هم تاروز پنجشنبه معرفی خواهد شد و شاهزاده اسدالله میرزا هم مثل سابق وزیر پست و تلگراف هستند.

رئیس - امیدواریم که هیئت وزرای عظام که تازه معرفی شده اند آقای رئیس الوزراء با آن سرمایه تجارب و نیات حسنه که در ایشان ملاحظه کرده ایم معین فرموده اند در صورتی که از طرف مجلس شورای ملی هم آنطوریکه بنده شخصاً مطمئن دارم و حس کرده ام کمال مساعدت را بکابینه خواهند داشت با این نیت و ثباتی که برای مجلس شورای ملی نسبت بکابینه حاصل شده یک جد وافی و یک اهتمام کاملی در تسهیل پیشرفت امور کابینه از هر حیث بشود یعنی اولاً از حیث اینکه اسباب اجرای او را از هر نوع برای آنها فراهم کنند که اول اسباب وضع قوانین مملکتی است و مساعدت های

جلسه ۱۶۷

صورت مذاکرات روز سه شنبه ۲۸

شهر شوال المکرم ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاءالملک تشکیل شد و صورت روز يكشنبه [۲۶] را آقای مصادد الملک قرائت نمودند .

[هائین جلسه قبل] آقایان : قوا الاسلام - نوبری - حاجی میرزا آقا - سید محمد رضا - سیدعلی آقا - صدیق حضرت (بدون اجازه) آقایان : کزازی - حاج وکیل‌الرها یا با اجازه غائب آقایان : دکتر امیرخان - شیخ رضا - دکتر اسمعیل خان - بهجت - سیددار اعظم - سردار احمد به موقع مقرر حاضر نشده و آقای میرزا رضاخان نائینی مریض بودند .
رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

افتخار الواعظین - عرض میکنم به موجب نظامنامه داخلی هر يك از نمایندگان که از عضویت مجلس شورای ملی استعفا می دهند باید بعد از يك هفته استعفای ایشان در مجلس خوانده شود در صورت مجلس مدتی است آقای صدیق حضرت را جزء غائبین می نویسد و بنده می خواستم عرض کنم واقعا اگر ایشان استعفا داده اند چه ججه دارد که استعفا نامه ایشان خوانده نمی شود و همه روزه ایشان را جزء غائبین می نویسد و اگر استعفا نداده اند پس چه ججه دارد که حاضر نمی شوند قریب يك ماه است اسم ایشان در جزء غائبین بدون اجازه نوشته میشود اگر چه می دانم که ایشان همچو کاری نخواهند کرد
رئیس - این فرمایش شما راجع بصورت مجلس نیست و در خصوص آقای صدیق حضرت استعفای رسیده است خوانده میشود .

فاتح الملک - يك طرحی است که بنده چند روز است پیشنهاد کرده ام طبع و توزیع هم شده است استعفا میکنم جزء دستور گذاشته شود
رئیس - رفته است بکمیسیون مپتکرات و در جزء دستور جلسه آتی گذاشته خواهد شد .

ادیب التجار - بنده همین عرایض آقای افتخار الواعظین را می خواستم عرض کنم و عرض میکنم که و کیلی که بیست روز است استعفانامه اش را فرستاده بهیئت رئیس باید خوانده شود و تنها آقای صدیق حضرت را عرض نمیکنم آنهایی که بی اجازه هستند و متصل به نویسد غایب بدون اجازه باید تکلیف آنها هم معین شود هر کس بی اجازه هست آنقدر نباید مسامحه شود .

رئیس - بعضی ها هستند یعنی یکی دو نفر هستند که استعفا نامه خودشان را فرستاده اند و در خصوص آنها بنده تکلیفم را می دانم چیست و عمل خواهم کرد و اما آنهایی که استعفا نامه فرستاده اند دیگر ما چه می توانیم بکنیم باید خودشان تکلیف خودشانرا بدانند که غیبت نکنند (راپورت اداره مباشرت راجع بحضور و غیاب نمایندگان قرائت شد) که نظر باینکه در هر دوره اجلاس راپورت حضور

دیگری که لازم پیشرفت امورات بشود کامل از این کابینه جدید حاصل شود که امیدهای ملت که منظور نظر مجلس شورای ملی است بزودی بحصول بیوندند برای اطلاع آقایان وزرای عظام و نمایندگان محترم عرض میکنم آن کمیسیون هم که برای نوشتن پروگرام و تعیین طریق مشور دولت بجهت اداره کردن امور مملکت معین و منتخب شده بود در این دو سه روزه با کمال جد مشغول کار شده اند یعنی آن کمیسیون که ۶ نفر بود و بعد حس کردیم که این عده برای تعیین پروگرام که امر مهمی است کم است و چند روز قبل ۶ نفر بر آنها اضافه کردیم و واقعا مجلس شورای ملی در انتخاب این کمیسیون مقصد بزرگی در نظر داشت که از بدو انعقاد مجلس بواسطه پیش آمدها مجال نکرده بود یا غفلت کرده بود که پیشنهادی برای خود و پروگرام صحیحی برای هیئت دولت معین کرده که بجهت طریق امور مملکت را باید اصلاح کرد بعد از یکسال در ضمن کار کردن تجربه بر ما معلوم کرد که يك همچو پروگرامی لازم است یعنی اول باید ما بدانیم که بجهت طریق باید امور این مملکت را اداره کرد و نایباً چه کارهایی است که باعث پیشرفت امور است و باید باو بیشتر اهمیت بدهیم البته يك مملکتی که در عالم تجدد داخل می شود و رو با اصلاحات می گذارد خیلی ترتیبات لازم دارد بسیار کارها و انتظامات است که باقتضای حال مملکت باید آنها را مقدم بر بعضی امور دانست البته اقتضای مملکت چنین تصویب میکند که بعضی امور را بر بعضی مقدم بدانند و بعضی را اصلاحات فوری نمایند و بعضی را برای آتی بگذارند و آن اصلاحات فوراً هم باید معلوم کرد البته طریق مختلفه برای پیشرفت کار هست لکن تمام آن طرق آنرا فراهم نیست پس باید بدانیم که امروز چه میخواهیم بکنیم و چه باید بکنیم و این اصولی است که مجلس شورای ملی ملتفت شده و باید اتخاذ کرد بعد از اینکه این مطالب معلوم شد يك همچو کمیسیونی که فعلا مرکب از ۱۲ نفر است معین شد و فعلا اعضاء با کمال جدیت مشغول کار هستند حتی عده جلسات کمیسیون را با اندازه قرار داده اند که زائد بر آن ممکن نیست مقصود این بود که خاطر وزرای عظام و نمایندگان محترم را اطمینان بدهم که آن کمیسیون جداً مشغول کار است و امیدوارم که در همین چند روزه نتایج صحیحه از آن بگیریم و در همین مجلس ارائه بشود اسباب خوشنودی عموم و پیشرفت امور بشود (عموم نمایندگان صدیق نمودند)

(پس از آن آقای رئیس جلسه آتی را بروز سه شنبه و دستور آنرا بقراردیل اعلام نمودند)
راپورت کمیسیون بودجه راجع بمرد آباد - راپورت کمیسیون عدلیه راجع بقانون تشکیلات عدلیه - راپورت کمیسیون داخله راجع به تقاضای انجمنهای ایالتی و ولایتی در خصوص مخارج اساسیه (مجلس تقریباً یکساعت از شب گذشته ختم شده)

و غیاب نمایندگان آندوره را اداره مباشرت مکلف است به مجلس مقدس عرضه بدارد اینست از فرجه محرم الحرام که نظامنامه داخلی مجلس مقدس وضع و صورت قانونی یافته است الی (۱۴) میزان که مطابق سوم شوال (۱۳۲۸) می باشد اداره راپورت حضور و غیاب و کلیه مسائل مربوط بآن را مطابق دفتر اداره صورت نوشته و لقا تقدیم داشت

رئیس - این صورت چون خیلی مفصل است خواندنش حالا لازم نیست ولی در روزنامه نوشته خواهد شد

(صورت حضور و غیاب نمایندگان که از روی ورقه ممضای اداره مباشرت استیضاح شد) عریضه آقای صدیق حضرت مشعر بر استعفای ایشان از نمایندگی و عضویت مجلس شورای ملی قرائت شد
عز الملک - بنده فقط عرض می کنم که وضع حالیه مجلس را خیلی بهتر از آن زمانی می دانم که آقای صدیق حضرت تشریف داشتند

راپورت کمیسیون بودجه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت که مشروحه از وزارت مالیه رسیده بود مبنی بر این که قریه مردآباد جزء خالصه بوده و قتیکه به شاهزاده سالار الدوله واگذار کرده اند سی و سه تومان دوهزار و نهصد و کسری نقد و نهصد و چهل و نه خروار و هفتاد و هفت من غله و سی و دو خروار گاه مالیات آنجا را تخفیف داده و از جزء خالصه موضوع و یکصد تومان نقد و پنجاه خروار جنس جمع اربابی برای آنجا معین کرده اند کمیسیون مالیه این تخفیف را بر کاردانیده و حالیه مالیه آنجا یکصد و سی و سه تومان کسری نقد و یک هزار و نود و هشت خروار کسری غله يك هزار و سی و دو خروار شده است و مستأجر مردآباد اظهار داشته که عایدی آنجا کمتر از مالیات مقرر است از طرف وزارت مالیه اقدام در ممیزی آنجا شده و از قراریکه راپورت بوزارت مالیه داده اند عایدی آنجا را از بابت سهم اربابی نهصد و پنجاه خروار غله و یک هزار خروار گاه و چهل هزار خروار یونجه است و چون سابقاً از طرف وزارت مالیه تقاضای بدل توجهی نسبت بعیال و اولاد سالار الدوله شده بود در اینموقع خواسته بودند که دو عشر از عایدی اربابی مردآباد بعنوان مالیات دریافت شده و تتمه يك سال او داده شده کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکرات نموده و چنین رأی می دهد که مالیات آنجا را موافق آنچه ممیزی نموده اند وزارت مالیه مطالبه کرد و از برای رعایت حال عیال و اولاد سالار الدوله از محل دیگر نقدا هر چه مقتضی می دانند پیشنهاد کنند تا فرار آن داده شود و مالیات مردآباد باید جمع دیوان باشد
رئیس - در باب این راپورت ملاحظاتی هست بفرمائید .

آقامیرزا ابراهیم خان - برای اینکه عرایض مفهوم شود مخصوصاً اینجا (محل نطق) آدمم که از مخبر محترم کمیسیون بودجه در اینخصوص توضیحی بخواهم بجهت اینکه خود کمیسیون بگویند که مالیات مردآباد ۱۰۹۸ خروار غله ۹۰۳۲ گاه ۱۳۳ تومان نقد است و مطابق رسیدگی که وزارت مالیه کرده است و مفتش فرستاده است می گویند ۹۵۰ خروار است و ۱۰۰ خروار گاه عایدی آنجا